

ردیف منظم به سوی دامنه کوه ها ادامه یافته ، وجودشان در سطح زمین نمودار قنات هایی است که آب را از دل کوه های دور و نزدیک به درون کانال زیرزمینی هدایت می کنند و پس از عبور از این کانال های طولانی که مسافت آنها بین ۵ تا ۱۰ میل (حدود ۸ تا ۱۶ کیلومتر) و گاه بیشتر است ، شهر تهران سیرآب می شود .

مقنی های ایرانی که مهندسان مطلع و ورزیده ای در کار حفر قنات و آب رسانی هستند ، ابتدا منبع آب را پیدا می کنند . پس از آن در طول مسیر عبور آب از دامنه کوه ها تا زمین کشاورزی مورد نظر یا شهری که باید سیرآب شود ، چاه هایی که گاه عمق آنها بیش از صد فوت (حدود ۳۰ متر) است حفر می کنند .

فاصله این چاه ها که اطرافشان با خاکی که از آنها بیرون آمده انباشته شده و همه جا به تپه های کوچک شباهت پیدا کرده ، تا حدود صد فوت (تقریباً ۳۳ متر) است و آنها را با شیبی ملایم به هم وصل کرده اند . به وسیله این کانال ها ، آب را از درون قنات و از روی خاکی که در طول زمان به اندازه کافی سفت و غیر قابل نفوذ شده ، عبور می دهند تا به زمین کشاورزی یا شهر مورد نظرشان برسانند .

این مقنی ها یا مهندسان تحصیل نکرده ایرانی ، بدون استفاده از هیچ گونه آلات و ابزار مکانیکی و برکنار از همه محاسبات علمی دنیای امروز ، تنها با استفاده از چند متر ریسمان و تعدادی بیل و کلنگ معمولی و یک چرخ چوبی و دو دلو پوستی ، آب را از دل کوه ها به شهرها و مزارع ایران می رسانند .

مشکل اصلی این کانال ها وقتی آغاز می شود که آب به سطح زمین رسیده و خارج از کانال زیرزمینی در حاشیه و یا از داخل شهر عبور می کند . این آب باید از کوچه پس کوچه های کثیف و شلوغ شهرها عبور کند و به داخل حوض یا آب انبار خانه های مردم برسد و برای مصرف ماه های آینده ذخیره شود .

آب انبارهای عمومی هم که در دل شهرها قرار دارند و مقدار زیادی آب را در خودشان جای می دهند ، در مسیر همین آب روهای آلوده قرار دارند و باید وسیله همین قنات ها ذخیره سازی شوند ، تا در طول ماه ها و گاه یک سال ، آب ذخیره شده وسیله مشک سقاها به مغازه ها منتقل شود و یا وسیله کوزه به خانه ها برسد .

همین آب های جاری در حاشیه خیابان های شهر تهران هم - که گاه از نظر ناپدید

می شوند و به درون باغات و منازل اعیانی راه می برند و از جای دیگر سر در می کنند - در عین حال که از هر حیث آلوده و کثیف است ، به شهر کویری تهران شادابی می بخشد . برای هر انسانی که در طول چند ماه باران و برف ندیده باشد ، تماشای همین برکه های آب جاری و شنیدن صدای شر شر آن لذت بخش است .

سیورهای شهرداری تهران از همین آب های آلوده حاشیه خیابان ها برای همه کار



بچه های مشایر در حال کوچ . گروهی از بچه های مشایر تهران به هنگام کوچ . مادرانشان با استفاده از مشک سرگرم زدن کره ماست ، یا سر تنور نانوائی مشغول پختن نان هستند . دختران مامورند از کودکان قبیله نگهداری کنند . چشم درشت قهوه ای ، صورت سبزه و موی نرم و صاف و مشکی از مشخصات بارز چهره مردم اصیل ایران زمین است .

استفاده می کنند. آنها مشک های خودشان را پر از آب کرده و از آن آب پاشی شهر استفاده می کنند. البته گاه و بیگاهی هم از همین مشک، آبی به لب تشنگان می نوشاند و دعای خیری می شنوند و احتمالاً انعامی دریافت می کنند.

متأسفانه در تمام طول مسیر کانال های روباز که در حاشیه خیابان ها و کوچه های شهر تهران جاری است و یا از داخل باغ ها می گذرد، دسته دسته زنان و کودکانشان کنار هم در حاشیه آب نشسته و سرگرم شست و شوی ظرف و لباس هستند. بدیهی است که این خود موجب آلودگی بیشتر آب ها و توسعه و سرایت امراض گوناگون در شهر تهران است و بسیاری از مشکلات مربوط به سلامتی مردم از همین جا سرچشمه می گیرد، ولی متأسفانه در ایران کسی به این قبیل حرف ها توجه ندارد.

حد متوسط آبی که در جوی های شهر تهران جاری است، نزدیک به یک میلیون گالن (حدود ۴ میلیون لیتر) در ساعت تخمین زده می شود که رقمی بسیار قابل توجه است. اگر از همین مقدار آب مثل همه دنیا به صورت اصولی و اساسی استفاده می شد، نه تنها مردم شهر تهران آب سالم و گوارای کافی داشتند، قسمت زیادی از این آب هم برای کشاورزی در زمین های اطراف شهر، قابل استفاده بود.

مشکل اساسی اینجا است که این همه آب - که در ایران ارزش بسیار دارد - حتی در طول مدت زمستان هم که آب مورد نیاز نیست، جریان طبیعی دارد و از این مهم تر به علت عبور آب از درون کانال های خاکی و مسیر طولانی روباز، قسمت اعظم آب به دست آمده از دل کوه، در زمین نفوذ کرده یا تبخیر می شود.

به همین دلیل در تابستان که آب بیشتر مورد نیاز است و تبخیر هم بیشتر است، گاه و بیگاه آب کافی به محلات جنوب شهر تهران نمی رسد در حالی که در طول زمستان گاهی کانال های آب تبدیل به محل عبور سیلاب می شود و برای ساکنان جنوب تهران مزاحمت بسیار زیادی دارد و مشکلات بیشماری به بار می آورد.

نخستین راه آهن ایران

نخستین راه آهن طولانی ایران پنج و نیم میل (حدود ۹ کیلومتر) طول دارد و از

هر جهت در خور توجه است، تا آنجا که گمان دارم اگر در این یادداشت ها از آن نام برده نشود، تصویری را که از تهران - پایتخت ایران - ترسیم کرده ام ناقص خواهد بود. این خط آهن باریک از جنوبی ترین نقطه شهر تهران شروع می شود و پس از گذشتن از میان دشت خشک و داغ و خرابه های باقی مانده شهر ری - که شهری قدیمی و باستانی است - به زیارت گاهی به نام شاه عبدالعظیم - مقبره یکی از مشاهیر مسلمانان شیعه - می رسد.

کسانی که با راه آهن به شاه عبدالعظیم سفر می کنند، چشمانشان از دیدن گنبد طلایی مقبره که در آفتاب پر نور ایران جلوه خاصی دارد، خیره و یا به قول ایرانی ها روشن می شود. مسافران اگر از غربیان تازه وارد به ایران باشند در عین حال که مسحور گنبد طلایی خواهند شد، از تماشای منظره بدیعی که گلدسته ها در فضای اطراف گنبد ایجاد کرده اند، صد چندان لذت می برند.

هر چند این تنها راه آهن ایران که فاقد تجهیزات اولیه هم هست، در ابتدا به نظر مسخره می نماید، ولی از این جهت بر تمامی خطوط راه آهن دنیا - که معمولاً دخل و خرج نمی کنند و ضرر دارند - برتری دارد. زیرا در آمدش به صورتی است که علاوه بر تامین هزینه های جاری، سرمایه گذاران را هم راضی و خشنود دارد. بیشتر زائران شاه عبدالعظیم که ساکنان شهر تهران هستند به هر صورت که شده از این تنها راه آهن استفاده می کنند. به این دلیل تمامی ایام و به خصوص روزهای تعطیل، هجوم جمعیت برای سوار شدن قطار شهر ری، قابل توجه است.

شهر باستانی و قدیمی ری - معروف به شهرری که اینک حضرت شاه عبدالعظیم خوانده می شود - بر اساس روایت های تاریخی که در دسترس مورخان است، در هزاره چهارم قبل از میلاد مسیح ایجاد شده و هزاره ها پایتخت دودمان های مختلف شاهنشاهی ایران و هم چنین اردوگاه اسکندر کبیر در هنگامه جنگ با داریوش سوم بوده است. از شهر باستانی ری به عنبران زادگاه مادر زرتشت^{۹۳} و هارون الرشید^{۹۴} هم یاد می کنند.

از این شهر تاریخی و باستانی جز مقداری دیوار مخروبه که در تاریخ روشنایی غروب، هیولا می نماید و در عین حال یادآور عظمت و قدمت آن است، چیزی باقی نمانده. با آن که قسمت اعظم خرابه های شهر قدیم به مزارع سرسبز و باغات بزرگ و پر طراوت تبدیل شده، هنوز هم عده ای طمع کار در خرابه های باقی مانده به امید یافتن گنج

سرگرم، کند و کاوند. چشمه سار معروفی که آب گوارای آن از زیر کنگره های فرو ریخته شهر ری قدیم جاری است، چشمه علی نام دارد. (حضرت) علی (ع) داماد (حضرت) محمد (ص) پیامبر اسلام بود و این چشمه نیز به احترام او چشمه علی نامیده شده است.

بالای این چشمه سنگ بزرگ حکاکی شده ای است که روزگاری دراز از آثار طلایی باستانی و در زمره یادگارهای ارزشمند دوره ساسانیان بوده ولی متأسفانه به یادبود سلطنت فتحعلی شاه قاجار^{۹۵} - که صد سال پیش در ایران سلطنت داشته - آن اثر قیمتی و بی نظیر را روی خودخواهی، حسادت یا حماقت و نادانی از بین برده و تصویر پادشاهی خودخواه و جاه طلب را - که گستاخانه دستور از بین بردن چنان اثر قدیمی و تاریخی را داده است - بر آن حک کرده اند که نه تنها خود اثری در خور توجه نیست و ارزشی ندارد، تا دنیا باقی است یادآور جنایت، خیانت و حماقت این پادشاه بیدادگر و اطرافیان اوست.

دخمه تهران

بیرون از حصار شهر در شمال شرقی تهران، روی تپه های خشک و خالی از آب و علف، دخمه زرتشتیان یا به قولی برج سکوت قرار گرفته که نمای بیرونی ساختمان آن از چهارسوی تپه قابل رویت است. دیوار دایره مانند این برج یا دخمه تقریباً سی فوت (حدود ده متر) ارتفاع دارد و محیط اطرافش بیش از پنجاه فوت (تقریباً ۱۵ متر) است. تمام سطح دیواره اطراف دخمه را با استفاده از گچ، سفید کاری کرده اند.

زرتشتیان ایران هنوز هم برابر آیین باستانی خودشان جنازه مردگان خود را به خاک نمی سپارند. آنها جسد مردگان را درون یک دخمه و در هوای آزاد قرار می دهند تا در معرض استفاده کرکس ها باشد. هر چند این دخمه و برج سکوت و یا به روایتی قبرستان زرتشتیان شگفت انگیز و وحشتناک است، با این همه هنوز هم یادآور دوران گذشته و ایران باستان قدیم است. در حقیقت می توان دخمه زرتشتیان را مدفن خاکستر ایرانیان باستان هم به شمار آورد. ایرانیانی که زندگی و ملیت و سنت هایشان از بین رفته ولی هنوز هم در حاشیه شهر تهران پایتخت ایران و دیوارهای فرو ریخته شهر باستانی ری، استوار و پایرجا در میان خرابه ها سر می کشند.



قبای پر نقش و نگار موبد موبدان زرتشتیان ایران زیبا است. زرتشتیان برای این که زمین آلوده نشود، جسد مردگان را در دخمه ای روی تپه و دور از محل سکونت مردم قرار می دهند که تنها در دسترس لاش خورها و سگ ها^{۹۶} است.

طبیعت زیبای تهران

در مورد شگفتی های شهر تهران باید یادآور شد که پایتخت ایران زیبایی هایی خاص دارد که به این شهر حالتی سحرانگیز و در عین حال خوش منظره می بخشد. نمونه برجسته آن خیابان معروفی است که از دروازه شمالی پایتخت می گذرد، به سوی کوه ها ره می برد، از روی دامنه های کم ارتفاع عبور می کند و به جایی می رسد که طبیعت زیبای تهران را پیش روی آدمی مجسم می سازد و چشم بیننده را به راستی خیره می کند. ما این راه را که تا حاشیه کاخ زیبا و متروک شاهان سابق ادامه پیدا می کند، از میان مزارع و حاشیه دهات سرسبزی - که باغ های پر بار و زیبایشان را درون دیوارهای بلند گلی مخفی کرده اند - طی کردیم و بالاخره پس از عبور از حاشیه قهوه خانه ای کوچک و خاطره انگیز، از کنار تعدادی باغ بزرگ بیلاقی که متعلق به اشراف، ثروتمندان و رجال ایران به خصوص خانواده سلطنتی، است گذشتیم و سرانجام به دامنه کوهستان البرز - که به صورت دیواره ای عظیم سر راه شمال ایستاده - رسیدیم و محو تماشا شدیم.



کوری در ایران به خاطر نور تند خورشید است، هر چند زنان رو بسته خود حالت کوران را دارند. گویند: دستور حجاب نتیجه ملاقات عربی بیابانی با پیغمبر است که پیشنهاد کرد همسر او را بخرد و یا با یک شتر عوض کند.^{۹۷}

از این نقطه به بعد جاده به صورت مال رو ادامه پیدا می کرد و ما به ناچار خطی باریک را از میان سنگلاخ هایی که نشانه فرود آمدن بهمین و فرسایش کوه های سر به فلک کشیده است، دنبال کردیم. در ادامه این راه صخره های برجسته و سختی را دور زدیم تا به دره عمیقی رسیدیم که بید مجنون کوتاهی در کنار چشمه سار زیبایی، به آن منطقه زیبا جلوه ای بسیار تماشایی بخشیده است.

این کوره راه زیبا و دیدنی را باز هم در دل کوه ها و تپه ها و دشت و دمن سرسبز دنبال کردیم که به صورت ماریچی تماشایی ادامه داشت و به دل کوهستان بلند و دست نیافتنی شمال تهران راه می برد. کوره راه در کنار جوی آبی بسیار زلال و گوارا قرار گرفته بود که به نظر می رسید نتیجه آب شدن برف های موجود از قرون و اعصار است.

کمی بالاتر، دشت ارغوان و سر زمین تماشایی نرگس جلوه داشت که زیبایی آن قابل توصیف نیست. ادامه آن راه به قله پر برفی رسید که حدود ۱۲۶۰۰ فوت (تقریباً ۴۰۰۰ متر) از سطح دریا ارتفاع داشت. از این نقطه بود که ما می توانستیم به خوبی همه جا را از راه دور تماشا کنیم و به راحتی می توان ادعا کرد منظره ای بدیع که از آن محل قابل رویت بود، دل از هر عارف و عامی می ربود.

از سویی چشم انداز دامنه کوه پر برف به سوی جنوب و فلات ایران ادامه داشت تا آنجا که به صحرا و دشت صاف بی انتهایی می رسید. از سوی دیگر سلسله کوه های سر به فلک کشیده ای دیده می شدند که سر تا سر محکم و پا برجا، راست قامت ایستاده بودند و به صورت دیواره ای سنگی، فلات ایران را از گسترش دریای خزر و رسیدن ابرهای پر بار و باران زا به تهران و جنوب ایران، محافظت می کردند.

دورتر از این نقطه شکاف های عمیق و شیب های تندی به چشم می خورد که نتیجه سائیدگی و فرسایش کوه ها طی هزاره ها و قرون بسیار بود. این دره های ژرف و خطرناک پر از سنگ های ریز و درشتی بود که آب برف از میان آنها راهش را به سختی باز کرده و به دشت رو داشت، تا سر راه در حاشیه تپه ها و کنار دره ها، بوته ها و درختان باغستان ها و مزارع کشاورزی بسیاری را سیرآب کند. هر چند گاه در دل دره ای، همین رودخانه خروشان به صورت آبشار در می آمد که غوغایش طرب انگیز بود.

دره های زیبایی که به تدریج پشت سر می گذاشتیم به تدریج گسترده و باز شدند و

همه جا گسترش یافتند، تا آنجا که کم کم در حاشیه آنها خانه های گلی پدیدار شد. روی شیب دامنه بعضی از تپه ها - که زمین با شیوه ای خاص تسطیح و با استفاده از آبیاری کشت شده بود - مزارع گندم و جو، جلوه ای خاص داشت و کرت های مربع شکل و یک نواخت به صورت خانه های شطرنج همانند زمرد می درخشیدند.

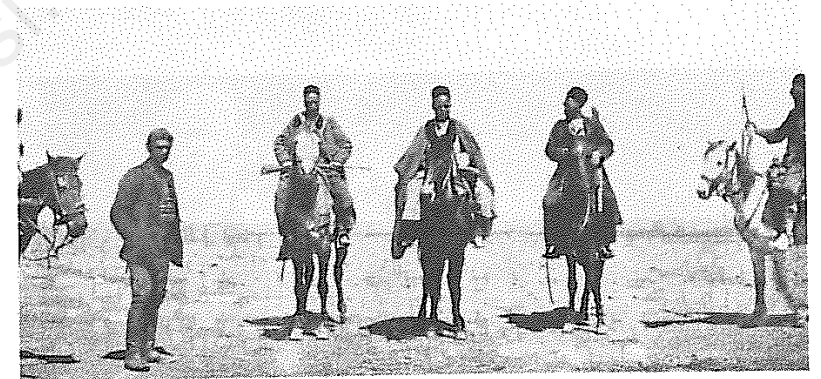
بدیهی است در این منطقه از هوای آلوده تهران و گرد و خاک و آب کثیف و پر از لجن - که در کانال های شهر تهران جریان دارد - خبری نبود و تنها دخمه زرتشتیان یا به قولی برج سکوت بر فراز تپه ای به چشم می خورد و گنبد طلایی شاه عبدالعظیم از دور جلوه و جلالی خاص خودش داشت.



شکار چیان گراز. جنگل های سرسبز و نیمه گرمسیری جنوب دریای خزر، پر از گراز وحشی است که موجب خرابی مزارع و شالیزارها می شوند. با توجه به این که گراز از نظر دین اسلام و نزد همه مسلمانان نجس فرض می شود، مورد نفرت کشاورزان است. به همین دلیل صیادان خوشحالند که با تفنگ قدیمی یک مزاحم نجس را از بین برده اند.

در سمت راست و در دامنه البرز، رودخانه کرج همانند ریسمانی نقره ای در دل دشت پیچ و تاب داشت و آب زلال و گوارای آن به سوی نمک زار پر زرق و برق جنوب و دریاچه نمک در حاشیه کویر، جاری بود.

از آن نقطه که در بلندای یکی از ارتفاعات دامنه البرز کوه بود، توانستیم گودی بزرگی را که به شکل کاسه در دل دشت و دامنه ارتفاعات شمالی شکل گرفته بود، تماشا کنیم. دیواره این گودال کاسه ای شکل را که محدوده تهران به شمار می رود، ارتفاعات اطراف این شهر، به صورتی زیبا محاصره کرده اند که در جای خودش تماشایی است.



خان ایرانی با محافظانش. با توجه به خطری که از سوی دسته های راهزن، تمامی مسافران بدون سلاح ایرانی را در مناطق مختلف و طول راه های سراسر کشور تهدید می کند، خوانین ایران همیشه عده قابل ملاحظه ای سوار مسلح همراه دارند. رجال و ثروتمندان و همچنین بسیاری از قافله ها و مسافران عادی هم، بدون داشتن محافظان مسلح قصد سفر نمی کنند که خطر بسیار دارد.

انقلاب مشروطیت و تمدن ایران

در محدوده تهران که ۲۵ میل (حدود ۴۰ کیلومتر) قطر دایره آن است، نمونه کاملی از یک تمدن باستانی را که در حال دگرگونی است، می توان از نزدیک مشاهده کرد و نمونه زندگی انسان ها را از مراحل ابتدایی تاریخ تا اوضاع کنونی دید. باید توجه داشت که اساس کار و زندگی مردم ایران بر اساس آیین دین اسلام استوار است، هر چند در بسیاری از موارد هنوز هم مقررات و قوانین اسلامی با فرهنگ کهن و سنت های دیرپای ایرانی درگیرند و در پاره ای جهات خواه و ناخواه درهم آمیخته و هر دو دگرگون شده اند. برای شناخت گونه های مختلف زندگی ایرانیان به چند مورد اشاره می شود:

هر چند مردم ایران و بخصوص تهرانی ها از راه آهن استقبال کرده اند، هنوز این وسیله نقلیه راحت و موثر نتوانسته است در کار رقابت با شتر و الاغ توفیقی داشته باشد. با آن که مدارس جدید با کیفیت نسبتاً خوبی در حال توسعه و رو به افزایش است، هنوز هم مکتب خانه های قدیمی را که کتاب قران درس اصلی آنها است، بیش از مدارس

جدید و در کنار آنها در شهر تهران می توان ملاحظه کرد.

با وجود انقلاب مشروطیت و تبدیل حکومت دیکتاتوری به رژیم پارلمانی، هنوز اکثریت دهات ایران به شیوه قدیم با نظام فئودالی اداره می شود و بیشتر املاک به عنوان املاک سلطنتی، موقوفه، خالصه و تیول خوانین و ثروتمندان، در اختیار اشراف و زمین داران بزرگ و ملاهای با نفوذ است. در این روستاها مردم بیچاره درون خانه های خشت و گلی کثیف و غیر بهداشتی به صورتی ابتدایی زندگی می کنند که تصور می رود روستاییان موجوداتی غیر از انسان و جدا از دیگر مردمنند. از سویی این مردم خرافاتی و عقب مانده تعصبات و رفتاری محافظه کارانه دارند، که ناشی از نادانی آنها است.

روستاییان گمان می کنند خواست خدا چنین بوده که زندگی مشقت بار داشته باشند. در روستاهای ایران در عین حال از طب امروز، آموزش و پرورش، دنیای روشنفکری و پیشرفت و آثار تمدن جدید خبری و اثری نیست. مردم روستایی ایران وقتی از خانه های دخمه مانندشان بیرون می آیند با وسایل و روشی به کار کشاورزی می پردازند و از ایزاری استفاده می کنند، که طی قرون گذشته تنها مورد توجه و استفاده اجداد آنها بوده است.

از نحوه زندگی روستاییان که بگذریم عده ای از مردم - هنوز بدون توجه به ترتیبات زندگی نوین - آواره دشت و بیابانند و در طول سال از نقطه ای به نقطه دیگر می روند و با کوچ خود، به بیلاق و قشلاق ابراز علاقه می کنند. خانه این مردم پلاس سیاه رنگی به شکل خیمه است و همسران و دخترانشان - که به عکس سایر زنان ایران از مردان جدا نیستند و حجاب کامل ندارند - آنها را بافته اند. عشایر کوچ نشین با آن که بیش از سایر مردم نخواسته و ندانسته تا حدی از مواهب آزادی برخوردارند، اطلاع و ارتباطی با مسائل سیاسی و اجتماعی منطقه و مملکتشان ندارند و در بی خبری مطلق به سر می برند.

خلاصه مطلب این که با وجود همه مسائلی که در تهران وجود دارد و راه آهن و الاغ در کنار هم در کارند و تضاد طبقاتی بیش از همه جا به چشم می خورد، باید قبول کرد که مرکز تحولات اجتماعی و سیاسی و همچنین مبداء پیدایش و توسعه تمدن امروز و در عین حال محل حفظ و نمایش سنن باستانی ایران، پایتخت کشور یعنی شهر تهران است.

از همین نقطه افکار روشنفکرانه به سایر نقاط نفوذ کرده و از همین شهر انقلاب مشروطیت آغاز شده و به پیروزی رسیده و امید می رود که بتدرج تضاد و اختلاف طبقاتی

فاحشی که در نحوه زندگی مردم و هم چنین طرز تفکر طبقات مختلف اجتماعی وجود دارد، برطرف شود و ایرانیان با سرعت بیشتری به سوی تمدن و پیشرفت گام بردارند.

پیدایش سلسله قاجاریه و استمرار سلطنت در این دودمان، آخرین کوشش استبدادی محافظه کارانه شرقی برای پیشرفت ایران بوده و پادشاهان قاجار در اندیشه آن بودند ایران را به پای کشورهای پیشرفته دنیا برسانند. ناصرالدین شاه قاجار که در طول پنجاه سال سلطنت خود نظام اطاعت محض را در سراسر مملکت اعمال کرده بود، هر چند در انجام



مدرسه پسرانه، نظیر مدرسه پسرانه ای که در عکس دیده می شود، در سراسر بازارهای ایران می توان یافت. مدرسه ها شبیه دکان هایی هستند که در آنها به خیابان یا بازار باز می شود و معلم مدرسه وقتی وارد می شود، با قیافه خشمناک بالای اطاق می نشیند. او که چوب بلندی در دست دارد، بچه هایی را که کمی غفلت و بازی گوشی کنند و یا از قرآنت آن چه ملا به آنها می گوید باز بمانند به سختی و با همان چوب خشن تنبیه می کند.

سیاست استبدادی و ارتجاعی خود تا حد زیادی توفیق داشت، ولی همین شیوه عامل اصلی عقب ماندگی و ضعف دولت و مملکت و بی تفاوتی مردم ایران بوده است.

انقلاب مشروطیت

مردم ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۵ خورشیدی) برای استقرار حکومت قانون و محدود کردن اختیارات شاه و تشکیل مجلس شورای ملی و ایجاد عدالت خانه قیام کردند. در حقیقت اطرافیان جانشین ناصرالدین شاه - مظفرالدین شاه قاجار ۹۸- که دریافته بودند در صحنه اقتصاد و سیاست جهانی نمی توان بیش از آن به افکار و شیوه های کهنه پای بند بود، خود زمینه مناسبی برای آن قیام فراهم کرده بودند.

با این که قیام مردم ایران اصالت داشت از آنجا که متأسفانه اکثریت مردم از نظر سطح فکر و بینش سیاسی برای چنین تحولی نداشتند، نتیجه مطلوب به دست نیامد. به خصوص که هیات حاکمه با وجود اختلافات داخلی، به صورتی تازه با نفوذ و کارشکنی

سیاست خارجی روبرو شدند و روسیه تزاری در راه پیشبرد سیاست های انقلابی و سازنده دولت مشروطه ایران، مزاحمت امپریالیستی بسیاری ایجاد کرد.

در همان آغاز انقلاب مشروطیت یک توطئه بین المللی علیه ایران شکل گرفت و مردم که در یک مرحله آزمایش قرار گرفته بودند، به دلیل عدم وجود سازمان سیاسی مستقل و کارگشا و نداشتن تشکل و تفاهم، گرفتار بحران های جهانی شدند.

دولت انقلابی هم در این گیر و دار به آلت بی خاصیتی تبدیل شد که در پنجه دو ابر قدرت زمان - روسیه تزاری در شمال و



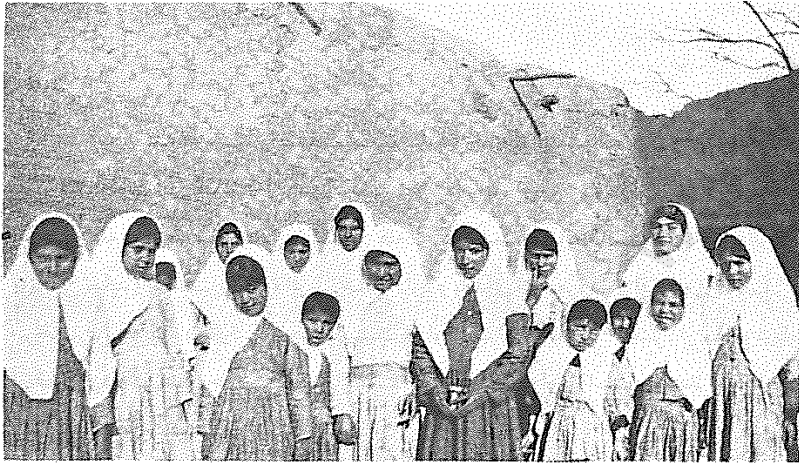
بریتانیای کبیر در جنوب - گرفتار بود و به همین دلیل انقلاب اصیل ایران، ناکام ماند. تنها عاملی که در اوضاع و احوال جهانی و وضعیت ناسامان ایران به ثبات این کشور کمک کرد و از متلاشی شدن این سرزمین باستانی جلوگیری به عمل آورد و می توان



کشاورز ایرانی در حال شخم زدن. برخورد آفتاب سوزنده و مستقیم با ریکه زارهای خشک و لب تشنه کویر ایران، اگر با کمی آب درآمیزد نتیجه اش، یک باغ سرسبز یا به قول ایرانی ها بهشت است. در این عکس تبسم یک کشاورز جوان ایرانی نشانه رضایت او و سرسبزی درخت هایش نمودار باروری خاک و اثر آفتاب سوزان ایران زمین است.



پسران دانش آموز همدان. هر چند مدرسه‌های جدید در حال تأسیس است، هنوز مکتب‌خانه‌ها به عنوان مرکز آموزش قرآن زیربنای تعلیمات دبستانی و مورد توجه مسلمانان است.



دختران دانش آموز ایرانی ارمنی. ۹۸ درصد زنان ایران بی‌سوادند ولی در سالیان اخیر معلمان خارجی و بعد از جنگ دولت برای آموزش زنان کوشش کرده که اخیراً دختران اجازه رفتن به مدارس خارجی دارند. قبل از این دختران ایرانی ۱۰ تا ۱۲ ساله ازدواج می‌کردند.

از آن به عنوان چراغ سحرآمیز علاء الدین نام برد، منابع عظیم نفت ایران در جنوب فلات ایران است که خوشبختانه دنیا هم به آن سوخت مهم احتیاج داشت. جای خوشوقتی است که سر زمین پهناور ایران علاوه بر منابع نفت، ثروت های غنی زیر زمینی دیگری در زیر خاک خور نهفته دارد که از آن جمله اند، مس، سرب و آهن که این همه موجب حفظ تمامیت ارضی ایران شده است. زیرا هیچ یک از قدرت های جهانی اجازه نداده اند که این همه ثروت در تیول و انحصار دیگران قرار گیرد.

بدیهی است وجود همین منابع غنی و ثروت های خدا داد زیر زمینی سرمایه داران جهانی را هم در گوشه و کنار دنیا وسوسه کرده و همه را به راه انداخته است. برای نمونه اینک دیپلوماسی امریکا مطرح شده و سیاست دلار در راه است و مردان ماجراجو آماده برای مبارزه شده اند. خلاصه همه سرمایه داران دنیای غرب این آمادگی کامل را پیدا کرده اند که برای تاسیس شبکه راه آهن سراسری در ایران و همچنین انجام سایر امور عمرانی و کارهای زیربنایی و خرید و فروش محصولات مختلف ایران، سرمایه گذاری کنند و به مردم فقیر ایران فرصت و یاری دهند تا زندگی مرهقی داشته باشند. [۱۱]

به این ترتیب می توان از هم اکنون امیدواری بسیار داشت که به زودی راه آهن اروپا از طریق ایران به هندوستان متصل شود و از این طریق تحولی عظیم در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران به وجود آورد. تنها مطلب باقی مانده که زعمای قوم و رهبران جامعه ایرانی باید برای آن فکری اساسی بکنند، مسئله فقر و بدبختی و بدی نحوه زندگی مردم ایران زمین است. هر چند این احتمال می رود که با بهبود وضع اقتصادی مردم و بالارفتن سطح دانش و بینش و روشن شدن و انعطاف پذیری نسل آینده، آرزوهای دور و دراز روشنفکران ایران عملی شود.

در این صورت امید بسیار است که نظمی نوین در ایران استقرار پیدا کند، امنیت اجتماعی به وجود آید و به احتمال زیاد ایران حکومت آزاد و تازه ای داشته باشد که به حقوق اجتماعی و سیاسی مردم احترام بگذارد و از قانون پیروی کند. در غیر این صورت باید اقرار کرد که ایران آزمایش نافرجام دیگری را پشت سر می گذارد و نتیجه این می شود که ضرب المثل معروف مصداق پیدا کند که ایرانیان هم شراب های تازه را باز در همان بطری ها و ظروف قدیمی می ریزند و نوش جان می کنند.

برای بسیاری از اشخاص که با شگفتی های طبیعت در آسیا آشنا نیستند، قابل قبول نیست که با دور شدن از دامنه دماوند و طی حدود ۱۰۰ میل (تقریباً ۱۶۵ کیلومتر) به طرف جنوب، حاشیه کویر لوت پیدا خواهد شد و از آنجا است که قله کله قندی و زیبای دماوند را - هر چند نیمی از آن ناپدید می شود - با همه عظمت و زیباییش می توان دید و از تماشای آن لحظاتی چند هیجان زده و سرخوش بود.

بهشت زرتشت

جای تعجب نیست اگر دریابیم که از دیرباز افسانه های خرافی در میان ایرانیان جایگاهی خاص داشته و هنوز هم متأسفانه بسیاری از مردم این سرزمین افسانه ای و باستانی به قسمتی از این خرافات بی ماخذ و معنا اعتقاد دارند و از تمامی مجهولاتی که در باور خود جای داده اند، با سرسختی و تعصب پاسداری می کنند.

به عنوان نمونه همان طور که کوه المپ (OLYMPUS)^{۹۹} در یونان جایگاه خدایان به شمار می رفته و مردم آن سرزمین این افسانه را باور داشته اند، در پاره ای از افسانه های قدیمی ایران از قله دماوند هم به عنوان فردوس یا بهشت زرتشت یاد شده و قصه های بیشماری پیرامون راز و رمز سحرانگیز بودن قله دماوند وجود دارد که از جمله آنها حضور ضحاک ماردوش^{۱۰۰} در این کوهستان است. گفته می شود که پس از فروریختن حکومت جابرانه و استبدادی که آن خونخوار معروف یعنی ضحاک ماردوش داشته، او را همانند پرومئوس (PROMETHEUS)^{۱۰۱} در کوه دماوند زنجیر کرده اند.

این داستان در نوشته های قدیمی زرتشتیان آتش پرست و همچنین شعر کلاسیک فارسی وجود دارد و این همه باعث می شود که مسافر و کوه نورد ماجراجو در عصر حاضر هم تحت تاثیر این خرافات - که هنوز هم در میان مردم رواج دارد - از صعود به قله دماوند خودداری کند و قدری تأمل داشته باشد. چرا که همه به او اخطار می کنند افسانه وجود دیو در کوه دماوند و این نکته که هر صعود کننده ای را دیوها دستگیر می کنند، از یاد نبرد و به آن فکر کند و ببیند.

کوه عظیم دماوند نه تنها در افسانه ها و اساطیر فارسی جای مهم و ویژه ای دارد، بر

کوه پُر آوازه ایران

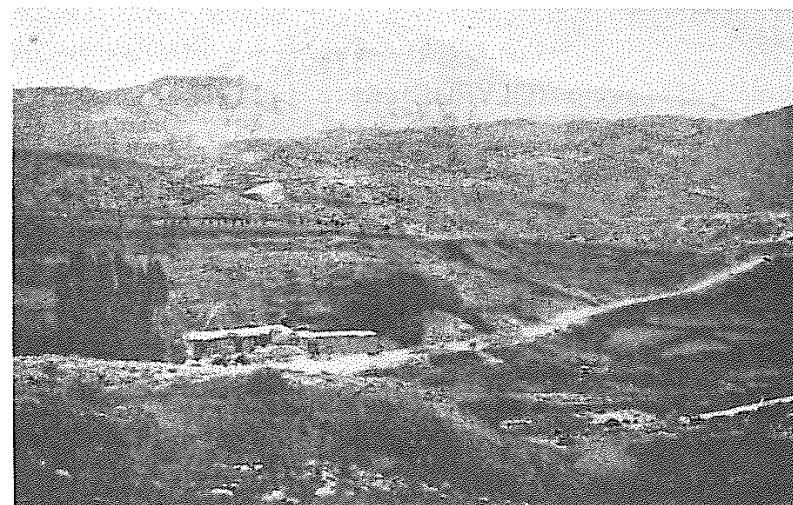
هر کس نقشه قاره آسیا را با دقت تماشا کند متوجه خواهد شد که یکی از مشخصات بارز جغرافیایی این قسمت از آسیا - یعنی فلات ایران - وجود کوه بسیار بلند و زیبای دماوند و قله معروف و تماشایی آن است. قله ای که نسبت به سایر قسمت های خاک ایران برتر می نماید و عظمت و جلوه ای بی مانند دارد و بلندای آن معروف و افسانه ای است. مرتفع ترین قله کوه دماوند که حدود بیست هزار فوت (تقریباً ۶۰۰۰ متر) از سطح دریا ارتفاع دارد، در عین حال که بلندتر از همه ارتفاعات قاره اروپا است، بلندترین قله در شمال غربی قاره آسیا هم به شمار می رود.

این آتش فشان خاموش را که بیشتر ایام سال پوشیده از برف است، باید از بلندای سلسله جبال که همسایه آن است، تماشا کرد و با دقت و علاقه، تمامی این کوه استوره ای و ارتفاعات تماشاییش را با دره ها و دامنه ها و تپه های که هر یک به جای خود زیبایی ویژه ای دارند، یک جا و در یک چشم انداز از نظر گذرانند و لذت برد.

بسیاری از وقایع تاریخی ایران هم سایه گسترده است. از جمله این که گفته اند مادر زرتشت پیامبر بزرگ ایرانی در نقطه ای از این کوه - شهر ری یا شهر مهم مادها^{۱۰۲} - متولد شده است^{۱۰۳}. یا این که منطقه دماوند نقطه نهایی حمله آشوری ها قبل از تاسیس سلسله های بزرگ شاهنشاهی بوده است.

این نکته هم که جبهه شرقی کوه دماوند جایگاه و سرزمین کوهستانی پارت ها بوده و اسکندر کبیر در تعقیب داریوش سوم شاهنشاه ایران تا دامنه کوه دماوند آمده و آنجا توقف کرده و گروهی از لشکریان را به چهارسو فرستاده تا در نقاط مختلف و مناطق دست نیافتنی مردم طبرستان^{۱۰۴} را سر کوب کنند، از مطالب دیگری است که در ارتباط با کوه دماوند، نقل می شود.

همچنین عده ای از مردم تحصیل کرده اعتقاد دارند که پس از رفتن اسکندر کبیر، از



ییلاق چادر نشینان. چادر نشینی و زندگی کولی وار ییلاق و قشلاق، هنوز هم در ایران امروز متداول است. یک چهارم جمعیت اطراف تهران هم اکنون در چادرهای سیاهی که بافت و کار دست زنان خودشان است، زندگی می کنند. تنها منبع درآمد و تغذیه این عده فقط گاو و گوسفندان آنها است. مردم چادر نشین تابستان ها را در دره های بسیار سرسبز البرز کوه می گذرانند و زمستان ها به دشت های گرم جنوب کوچ می کنند.

آنجا، آنتیوخوس (ANTIOCHUS)^{۱۰۵} در همین محل به جنگ پارت ها^{۱۰۶} آمده است و در همین حدود چنگیز خان و هلاکو خان مغول و تیمور لنگ ترک تازی و وحشی گری بسیار خود را آغاز کرده و همه چیز را از بین برده اند.

دماوند راهنمای نسل ها

به راستی می توان تصور کرد که حتی اسکندر کبیر و تیمور لنگ معروف و مغرور هم که جهانی را در آتش خشم و غضب و حشیا نه خود سوختند، در برابر عظمت کوه دماوند به زانو درآمدند و آن را قله ای تسخیر ناپذیر دانستند. کوه بلند و زیبای دماوند که در حاشیه شاهراه بین المللی قرار گرفته، علامت بسیار مشخص و سر به فلک کشیده ای است که قرن ها پا برجا ایستاده و همه کاروان هایی را که صدها سال پیش از تولد کریستف کلمب^{۱۰۷} کالاهای شرق و غرب را به وسیله قافله های کندرو خودشان جابجا می کرده اند، راهنمایی و هدایت کرده است.

کوه دماوند در عین حال که نمودار حیات ماجراجویان کوچک و بزرگ از نسل های مختلف و نژادهای گوناگون است و در سایه آن سلسله های مختلف شاهنشاهی در ایران پیدا شده و صعود و سقوط کرده اند، با تمامی عظمتش، تماشاگر این همه ماجراها بوده و هنوز هم سربر کشیده، راست قامت، زیبا و استوار باقی مانده است.

← ۱۱ سلسله جبال البرز - که دماوند قله برجسته معروف و زیبای آن است - از اروپای جنوبی تا آسیای مرکزی امتداد یافته است. اثر و نقش این ارتفاعات قابل توجه در اوضاع ایران انکار ناپذیر است. زیرا این سلسله ارتفاعات گسترده که با ۱۲۰۰۰ فوت (حدود ۳۶۰۰ متر) ارتفاع از سطح دریا، هم چون دیواره ای در بالای فلات ایران سر برافراشته، شمال زیبا، سرسبز و مرطوب ایران و دامنه های پر آب بحر خزر را که دریاچه معروفش ۸۱ فوت (حدود ۲۵ متر) از سطح دریا پایین تر است، از سایر قسمت های فلات خشک ایران جدا کرده است.

ارتفاعات البرز که حد متوسط بلندی آن ۴۰۰۰ فوت (بیش از ۱۳۰۰ متر) است از اردبیل در آذربایجان آغاز می شود و به طرف جنوب شرقی و سرانجام شرق ایران ادامه پیدا

می‌کند و تقریباً ۵۰۰ میل (بیش از ۸۰۰ کیلومتر) از حاشیه دریای خزر را طی می‌کند و به خراسان می‌رسد. این دیوار سنگی عظیم به شمال ایران موقعیتی استثنایی بخشیده و به دلیل وجود آن، دو نوع آب و هوای مختلف را در سرزمین ایران کنار هم می‌توان دید. دماوند که از سرایت رطوبت دریا و هوای دشت حاشیه خزر به فلات ایران پیش‌گیری کرده، در دامنه شمالی خود آب و هوای گرمسیری دارد. با این همه همین دماوند باعث ایجاد بیش از ۵۰ اینچ (حدود ۱۳۰ سانتیمتر) باران در سال است. این بارندگی و رطوبت موجب شده است که باغات زیبای پرتقال، شالیزارهای سرسبز و تماشایی و مزارع سفیدپوش پنبه را همه جا بتوان دید و از منظره جالب و



گوسفندچرانی در ارتفاعات البرز. البرز کوه بهترین منطقه برای چرای دام‌ها است. تپه‌های خشک و بی‌آب و علف ایران موجب شده است که نوعی گوسفند دمبهدار در این منطقه پرورش یابد. دمبه گوسفندان مخزن تغذیه خوبی برای آنها است و هنگامی که علوفه کافی به دست نمی‌آورد، به‌ناچار از آن چربی ذخیره شده در دمبه استفاده می‌کنند.

سحرانگیز جنگل‌های طبیعی انبوه - که بیشتر در شیب کوهستان بوجود آمده - و ارزش چوب‌های کلفت و سخت آن به این منطقه اعتباری خاص بخشیده، لذت برد. در قسمت جنوبی البرز از این همه سرسبزی خبری نیست و چون منابع آب آن هم محدود است، ساکنان این منطقه باید برای رساندن آب به مناطقی زراعتی و دشت‌های پائین دامنه البرز، زحمت زیادی را برای حفر کانال متحمل شوند تا بتوانند مقداری حیوانات و میوه که مناسب آب و هوای معتدل و سردسیری است، تولید کنند.

آتش فشان خواب‌آلوده

دماوند که در میان دو قله نسبتاً بلند سلسله جبال البرز قرار گرفته در فاصله ۴۵ میلی (حدود ۷۳ کیلومتری) شمال شرقی شهر تهران واقع شده است و بلندای آن به - که قله‌های اطراف به شانه‌های او هم نمی‌رسند و در حقیقت بیش از یک سوم، دماوند کوتاه‌ترند. به همین دلیل قله سر برکشیده و واقعی سلسله جبال البرز، دماوند است که به شکل کله قندی - با شیب قابل توجه دامنه آن که حدود ۴۵ درجه است - از چهارسو به خوبی دیده می‌شود.

هرچند هیچ اشاره تاریخی در اسناد موجود به انفجار و آتش فشانی دماوند نشده و تاریخ آخرین آتش فشانی آن مشخص نیست، شیب آن که از بالاترین نقطه آغاز می‌شود و تا پایین ترین محل امتداد دارد، نشان دهنده این واقعیت است که قله دماوند روزگاری نه چندان دور آتش فشانی داشته است. به همین دلیل هم نمی‌توان دماوند را آتش فشانی مرده پنداشت و باید آن را آتش فشانی که خواب‌آلود است نامید، به خصوص که در دل این کوه چشمه‌های آب گرم متعددی وجود دارد و روی قله آن هم نشانه‌هایی از گرمای سخت آتش فشان که در عمق زیاد قرار گرفته، پیدا شده است.

همان‌طور که اشاره شد دماوند از دور به صورت کله قندی به نظر می‌رسد که هم سر سالم و پا برجاست و هم تیزی آن پدیدار است، در حالی که صعود کنندگان در می‌یابند بالای کله قند به صورتی که از دور دیده می‌شود نیز نیست و روی آن فرورفتگی بزرگی وجود دارد که قطر آن حدود ۱۰۰ یارد (۹۰ متر) است. این فرورفتگی که معمولاً زیر

توده ای از برف پنهان می شود، نمایش چندانی ندارد هر چند که حرارت داخلی کوه دماوند به خصوص در قله آن به حدی زیاد است که برف های قله دماوند را بیشتر از دامنه هایش آب می کند. شاید به همین دلیل باشد که کوه های سنگی باشالت^{۱۰۸} و سولفور^{۱۰۹} را در حاشیه قله دماوند به نسبت زیادی به خوبی می توان یافت.

اگر چه تا این تاریخ ارتفاع دقیق دماوند معلوم نشده و با همه اندازه گیری ها نتیجه قطعی به دست نیامده است، با این همه ارتفاع دماوند را میان ۱۸۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰ فوت (حدود ۵۵۰۰ تا ۶۶۰۰ متر) می توان قبول داشت^{۱۱۰}. بدیهی است اگر حد متوسط ارقامی را که اشخاص مختلف گفته و نوشته اند به دست آوریم رقمی معادل ۱۹۰۰۰ فوت (حدود ۵۷۰۰ متر) خواهد بود. البته در اسناد رسمی دولت ایران ارتفاع دماوند ۱۸۴۶۴ فوت (حدود ۵۵۴۰ متر) ذکر شده که معلوم نیست این رقم خیلی دقیق را دولت ایران کی، چگونه و به چه وسیله ای به دست آورده اند.

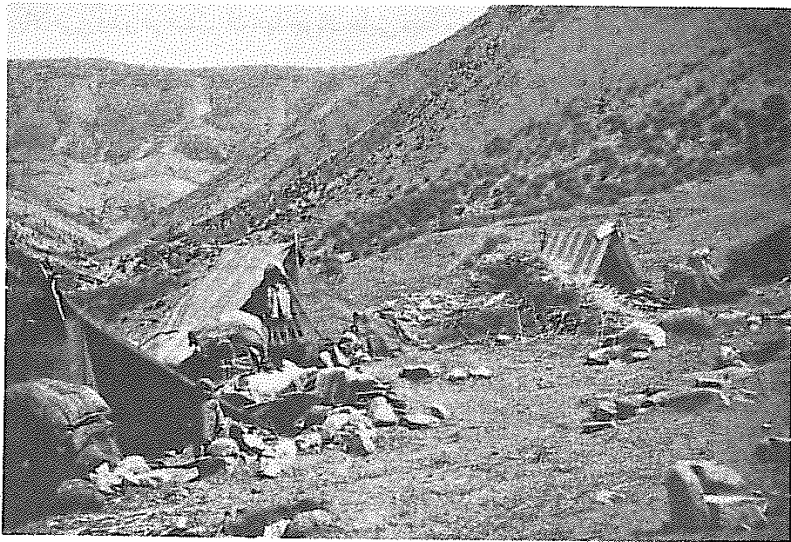
صعود به قله دماوند

صعود به قله های بلندی در سطح دماوند در هر نقطه از دنیا که باشد، چندان کار سخت و دشواری نیست و تنها سرما و کمبود هوا و به طور کلی خستگی راه مشکلات اساسی این کارند. با این همه به خاطر خرافاتی که متأسفانه در میان مردم و به خصوص ساکنان روستاهای حاشیه دماوند وجود دارد، تعداد انگشت شماری از ایرانیان علاقمند به کوه نوردی تا کنون به قله دماوند صعود کرده اند. به همین دلیل پیدا کردن راهنمایی محلی که با منطقه و راه های صعود به قله آشنا باشد، کاری دشوار است و اگر هم کسی پیدا شود، دستمزد یک ماهش را مطالبه می کند.

از مجموعه اطلاعاتی که خود ما به دست آوردیم چنین پیداست نخستین اروپایی که به بلندای کوه دماوند صعود کرده - مشخص نیست که قبل از او ایرانی ها دماوند را فتح کرده باشند - ویلیام - ت - تامسون (WILLIAM T. THAMSON) بوده است. او در سال ۱۸۳۷ میلادی (۱۲۱۶ هجری شمسی) دماوند را فتح کرده و بعد از او چند اروپایی و سه آمریکایی و بالاخره در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۲۹۳ هجری شمسی) هفت پیش آهنگ جوان

ایرانی برای نخستین بار به بالاترین نقطه دماوند رسیده اند.

اواخر تابستان که هوا معتدل است و میزان برف موجود در ارتفاعات به میزان حداقل می رسد، بهترین وقت صعود به قله دماوند است. با توجه به این که تهران به عنوان نزدیک ترین شهر و محل آغاز صعود به قله می تواند مورد توجه باشد، ولی شیب تند کوه موجب می شود کوهنوردان صعود به قله دماوند را از نقطه دیگری آغاز کنند. برای رسیدن به دماوند سفری سه روزه در پیش داشتیم و نخست باید دماوند را دور زده و از گذرگاه آفجه که در ارتفاع ۹۰۰۰ فوتی (حدود ۲۷۰۰ متری) قرار دارد، عبور کنیم. پس از گذشتن از این منطقه بود که دره سرسبز و زیبای لار پیدا شد، محلی که در فصل تابستان توقف گاه عشایر و چراگاه گوسفندان و مردم چادر نشین است.



قله دماوند، قله گاه نسل های مختلف ایرانی. عظمت دماوند نشانه همت بلند ملتی است که از سر بلندی و افتخار به وجد می آید و لذت می برد. در سایه عظمت همین قله دماوند بود که دودمانهای مختلف شاهنشاهی در ایران زمین پدید آمدند، به اوج قدرت رسیدند و سرانجام نیز سقوط کردند و از بین رفتند که تنها نامی از آنها باقی مانده است.

راه صعود به قله دماوند از داخل همین دره تماشایی آغاز می شود و به روستای زیبای رنا می رسد که بی پیرایه و آرایش به صورت طبیعی در دامنه البرز نشسته است. رنا با زیبایی خاصی بالای دره و در دامنه شرقی دماوند قرار گرفته است. البته در دل همین دره است که رود هراز خروشان و کف بر لب آورده، سر بر سنگ می کوبد و راهش را از میان سنگلاخ ها به سوی دشت و دریای خزر باز می کند و چون ماری شتاب زده و مغرور ولی هراسان و با پیچ و تاب، پیش می رود.

منطقه زیبا و کوهستانی رنا که در ارتفاع ۷۰۰۰ پایی (حدود ۲۰۰۰ متری) از سطح دریا قرار گرفته، جایگاه بسیار مناسبی است که می توان با خیال راحت به عنوان اردوگاه اصلی کوه پیمایی از آن استفاده کرد. در این محل پست زیبایی مشخص می شود که به صورت ماریچ روی چمن زار طبیعی و سرسبز تا بیش از ۷۰۰۰ فوت (حدود ۲۰۰۰ متر) بالا می رود و در مسیر آن تنها چوپان هایی دیده می شوند که برای مراقبت از گوسفندان روی چمن لمیده و ضمن تماشای چرای آنها مشغول استراحتند و گاه هم با آوای عجیب نی معجزه آسای خود، غم تنهایی را بازگو می کنند.

تا این مرحله از کوه پیمایی را می توان پیاده طی کرد، هر چند امکان استفاده از اسب و قاطر برای سواری وجود دارد. ولی به هر حال باید در بهترین ساعات روز و به خصوص هنگام صبح از میان ابر سنگینی - که معمولاً همه جا گسترده است - راه گشود و به سوی قله زیبای دماوند پیش رفت.

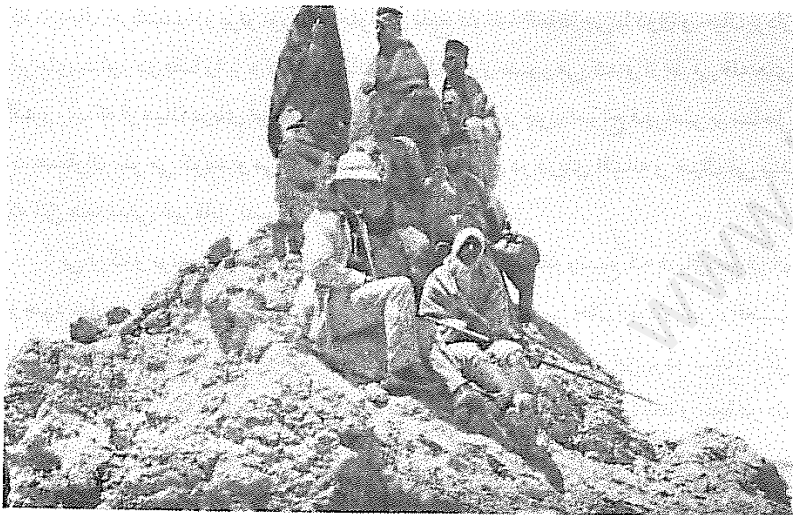
بدیهی است در مواقعی که آسمان صاف و خالی از ابر باشد، صعود کننده منظره بدیعی را روبرویش می بیند و از آن لذت می برد، زیرا دماوند با همه عظمت و زیبایی - که قله طلایی و کبریت احمری آن دارد - به خودنمایی می ایستد و چشم بینندگان را خیره می سازد. در این نقطه زیبایی دماوند به صورتی جذابیت دارد که کوهنوردان فریفته شده چنین گمان می برند که قله دماوند در دسترس آنها قرار گرفته است و به زودی بلدای آن را زیر پایشان لمس خواهند کرد.

وسایل زندگی اردوگاهی در پایین ترین محل این منطقه که تقریباً ۱۳۰۰۰ فوت (حدود ۴۰۰۰ متر) از سطح دریا ارتفاع دارد و تا حدی پوشیده از برف است، کافی به نظر می رسد. آب تمیز فراوان است، خار شتر برای سوختن به میزان کافی در دسترس قرار

دارد و می توان با مختصر زحمتی خار را کند، آتشی بر افروخت، در حاشیه آتش آب را جوشاند، چای و قهوه ای خورد و بالاخره به استراحت پرداخت.

قله های البرز، جزایر دریای افسانه و خیال

جایی که برای کوهنوردان در این نقطه پیش بینی شده، سخت و خطرناک است و کوهنورد باید دقت داشته باشد که از روی سنگ سخت و تخت ماندش به میان آتشی که در کنارش افروخته است، نیفتد. از این اردوگاه موقت حداقل باید ده ساعت کوه پیمایی کرد تا به قله دماوند رسید. البته این اجبار هم وجود دارد که قسمتی از این راه را باید در دل سکوت شب به تنهایی و با آرامش طی کرد و مراقب همه جا و همه چیز هم بود.



دماوند، قله المپ ایران. رئیس مدرسه آمریکایی تهران - که در ردیف جلو عکس نشسته - همراه با مؤلف کتاب، اف. ال. برد و یک آمریکایی دیگر که موفق شده اند به قله معروف دماوند صعود کنند.

هر چند راه پیمایی میان کوه های یخ زده و سرد برای همه کمی سخت به نظر می رسد ولی جلوه و جلای مهتاب پر نور و زیبای ایران - آن هم زیر آسمان صاف و در دل کوهستان - و نور خیره کننده ماه که همه جا را با زیبایی خاصی روشن می کند، لذتی فراموش نشدنی دارد که سختی ها را برای هر کوهنوردی آسان می سازد. نور مهتاب در آن منطقه به قدری پاک و زلال و سحرانگیز است که نه تنها تمامی قله و دامنه کوهستان را - که تقریباً پوشیده از برف و سفید است - نورانی و چون روز روشن می کند، آدمی را به دنیای خاصی تخیلات شیرین سوق می دهد.

کوهنورد صاحب دلی که در دل شب و در میان انوار مهتاب سرگرم صعود از دماوند است، آن چنان محو تماشای آن منظره شکوهمند می شود که خود و سختی ها و خطر ها را از یاد می برد و به آفرینش آن همه عظمت و زیبایی و راز و رمز کوهستان می اندیشد. از آنجا که معمولاً پایین ارتفاعات دماوند و زیر پای کوه نور را ابر فرا گرفته و توده های ابر - که در حال حرکتند - در پرتو نور ماه جلوه ای بدیع دارند، تماشایی با ذوق و خیال پرداز ابرهای شناور در فضا را پر و بال پرندگان در حال پرواز تصور می کند و از طرفی قله های البرز را - که از میان دریای ابرها خود قد بر افراشته اند و چون امواج قهرآمیز بر ساحل کوهساران سر می کوبند و می گذرند - همانند جزایری در دریای افسانه و خیال می بیند که این همه لذتی غیر قابل تصور دارد.

بی برگ و بوته و بی ثمر و بار بودن قسمتی از این منطقه وسیع که دریای یخ در آن وجود ندارد، تا حد زیادی شگفت انگیز می نماید ولی در عین حال نمودار این واقعیت است که آب و هوای آن نقطه در گذشته های بسیار دور مرطوب تر از این بوده است. این نکته را از باقی مانده فرسایش کوه ها و شکاف های بزرگ و عظیمی که اینجا در دل توده های یخ به وجود آمده می توان دریافت.

یادآوری این نکته هم ضروری است که به دلیل وجود شیب تند ۴۰ تا ۵۵ درجه که در دامنه بالای دماوند وجود دارد، همه کوهنوردان بیش از حد معمول احساس خستگی می کنند. چرا که باید از یک نردبان سخت و نامنظم که نشیب و فرازهای مختلف و متنوع دارد و انتهای آن هم ورای بی نهایت می نماید، با دقت و سختی و مراقبت کامل آن هم در حالت خستگی بالا بروند.

نردبان های یخی

توده های فشرده برف در شیب تند دامنه دماوند اشکال عجیب به وجود آورده اند و از همه مهمتر طبیعت کوهستان نردبان های یخی در محل ساخته است که تماشای آنها لذت بخش می نماید. برف - که در بعضی از نقاط دماوند بیش از یک متر روی هم انباشته شده - روزها تحت تاثیر گرما و آفتاب تند دگرگون می شود و قسمتی از آن آب شده در داخل توده برف شیاریهایی به وجود می آورد تا راه خود را برای عبور به پایین باز کند.

با فرارسیدن شب تیره و سرمای کشنده آن - که به راستی همه جا و همه چیز یک سره یخ می زند - کانال هایی که در دل یخ ایجاد شده اند، شکلی خاص پیدا می کنند که باقیمانده فرورفتگی های آنها گاه به صورت کله قندهای سفید و کوچکی که در کنار هم ردیف شده و در یک صف قرار گرفته باشند، جلوه ای تماشایی دارد.

از آنجا که در طول دو سه ماه تابستان، دگرگونی هوای روز و شب کوهستان بسیار است، آب شدن قسمتی از برف های موجود و یخ زدن مجدد شبانه آنها باعث می شود که نردبان های یخی طبیعی بوجود آیند. این نردبان های ساخت طبیعت هنگام صعود به قله دماوند و در قسمت نهایی صعود، ضروری، قابل استفاده و مناسبند.

سطح متزلزل کوهستان که پدیده ساییدگی و ریزش سنگ ها است، صعود به قله دماوند را با اشکال مواجه می کند و کوهنورد باید خود را از شیب تند کوه که پوشیده از حداقل دو فوت (۶۰ سانتیمتر) برف کوبیده نشده و متزلزل است به قله دماوند بالا بکشد. با این همه نردبان های یخی خود موجب می شوند کوهنورد راهی را که می باید در طول چند ساعت طی کند، با استفاده از این نردبان های طبیعی به چند دقیقه طی کند و با امنیت خاطر راهش را تا قله دماوند به انتها برساند.

بر فراز قله عظیم دماوند

وسعت دهانه کلاه کبریتی و طلایی دماوند که صد یارد (حدود ۹۰ متر) پائین تر از لبه آتش فشان قرار دارد، مشخص نیست ولی هزاران تن سولفور - کبریت احمر - پیداست

و دودی که متصاعد می‌شود و جریان دارد، ناراحت‌کننده و تهوع‌آور است.

لبه سنگی سوراخ قله دماوند که به کاسه شباهت دارد پنج یارد (حدود چهار و نیم متر) عرض دارد و مساحت آن سیصد یارد (تقریباً ۲۷۰ متر) است. این لبه به تدریج با شیبی ملایم به طرف پایین می‌رود و به توده برفی که سوراخ و دامنه آتش‌فشان را مسدود کرده می‌رسد. تنها اثری که از فعالیت و زنده بودن این آتش‌فشان باقی مانده، دود و گازی است که از شکاف‌های دهانه آتش‌فشان متصاعد است.

بلندای قله دماوند دیدگاه مناسبی است که آدمی می‌تواند از آن اوج و در ساعات روشنی از روز که هوا صاف و بدون ابر باشد، چهارسو را به خوبی تماشا کند و همانند نقشه جغرافیایی که پیش‌رویش گسترده همه جا را تا آنجا که چشم کار می‌کند، ببیند.

مجموعه سلسله جبال البرز با قله‌ها و دره‌های درهم و پیچیده و سیستم آبیاری طبیعی که از چهارسوی آن به صورت‌های مختلف جاری است، از هر نظر جالب توجه می‌نماید. تمامی دره‌های البرز در میانه قله‌ها از مه و بخار پوشیده است و کوهستان با همه سرسبزی که دارد چون به سوی جنوب و بیابان فرو می‌نشیند، خشک می‌نماید.

ولی ارتفاعات و دره‌هایی که در این کوهستان به سوی شمال ایران پهن شده اند پر از رطوبتند و بخار فراوانی که از جنگل‌های انبوه مازندران و حاشیه زیبا و سرسبز خزر بر می‌خیزد، آن منطقه را پوشانده است.

وقتی که آدمی بر فراز قله دماوند ایستاده باشد احساس غرور می‌کند و از این که سرانجام به یکی از مرتفع‌ترین قله‌های دنیا صعود کرده و در بلندای آن نشانه و علامت عظیم جغرافیایی، به تماشا ایستاده لذت می‌برد و شادمان است. کوهنوردی که بر فراز قله دماوند نظاره گر چهارسو است، در ضمن به یاد می‌آورد که این ارتفاعات از دیر باز و در طول تاریخ همیشه مورد نظر ابرمردان دوره‌های گوناگون تاریخ و اقوام مهاجم و نیروهای مدافع بوده است.

هنوز هم ساربان‌هایی که از دشت کویر می‌گذرند، قایق‌رانانی که در دریای خزر حرکت می‌کنند، کشاورزانی که در شالیزارهای حاشیه خزر سرگرم کارند، ترکمن‌های چادرنشینی که در ماورای خزر سکنی دارند، روستاییان شهرها و روستاهای حاشیه کویر که دماوند را نشانه بزرگی و عظمت ایران زمین می‌دانند و بالاخره کوچ‌نشینان و هم

چنین کولی‌های آواره دشت و بیابان و فلات ایران که بی‌خبر از همه جا و رها از همه قید و بندها سرگرم آمد و رفت و زندگی روزمره خویشند، همه و همه به دماوند نظر دارند و آن را نشانه می‌گیرند و از عظمت افسانه‌ای آن سخن می‌گویند ولی از صعود به بلندای آن به دلیل وجود خرافات و افسانه وجود دیوان پرهیز می‌کنند.



کولی‌های ایرانی. کولی‌های ایران زنده‌پوشان فقیری هستند که از همه قید و بندهای حاکم بر جامعه آزادند. از آنجا که ایرانیان به خرافات توجیهی خاص دارند، زنان کولی در مقابل دریافت دستمزدی ناچیز برای آنها - به خصوص برای زنها - فال می‌گیرند و با هوش و فراست خاص خودشان از حال و روز آینده آن نادانان خبرهای خوش می‌دهند.

قسمت دوم

عکس های رنگی

از

هارولد اف. وستون

HAROLD F. WESTON

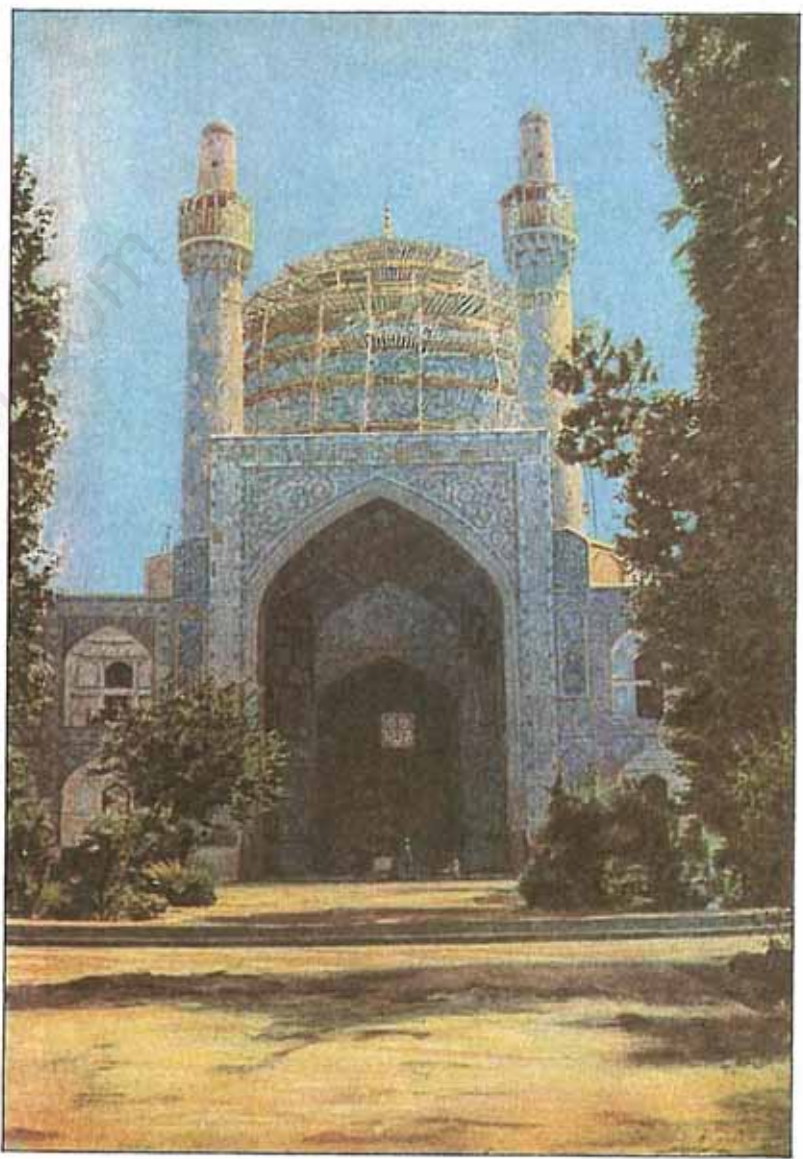


پیش آهنگی در میان جوانان - که اغلب هم سن و سال پادشاهشان هستند - هوداران بسیاری دارد. چون ایرانی ها عاشق طبیعتند، در تابستان سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۳ هجری شمسی) هفت نفر پیش آهنگ به قله زیبای دماوند رفتند.

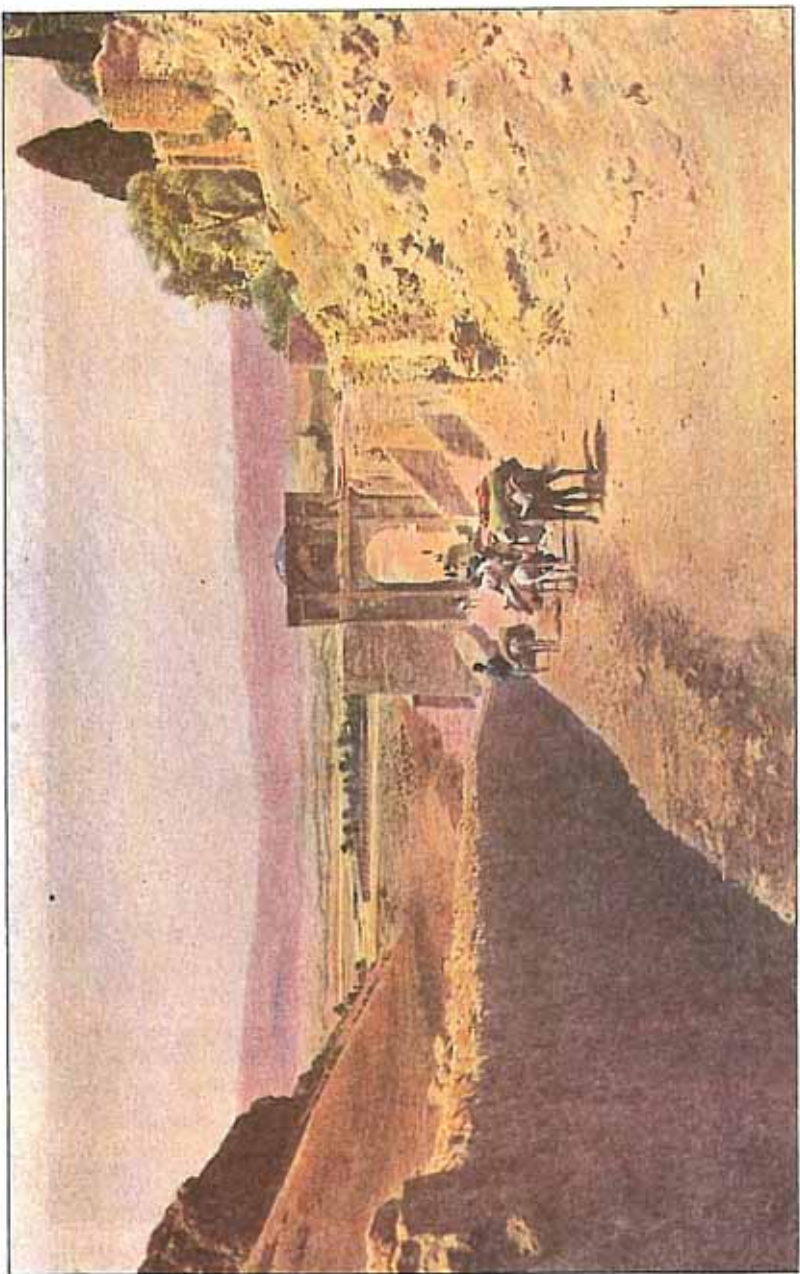
باد آوری در مورد عکس های رنگی

۱۶ قطعه عکس رنگی که در صفحات بعدی کتاب
ملاحظه خواهید کرد، در اصل به صورت سیاه و
سفید عکس برداری و به همان ترتیب هم ظاهر و
چاپ گردیده ولی به شیوه ای خاص که ذکری از
آن نیست، برای چاپ رنگ آمیزی شده است.
از آنجا که ۷۵ سال پیش، سال ۱۹۲۱ میلادی برابر
با ۱۲۹۸ هجری شمسی فیلم و عکس رنگی وجود
نداشته عده ای هنرمند، عکس های سیاه و سفید را
به صورت زیبایی رنگ آمیزی می کردند که این کار
تا چند سال پیش در ایران هم رواج داشت. البته
گاهی هم اصل عکس های رنگی در کتاب خاصی
می آمد ولی در این مورد ظاهراً کلیشه ها به نحوی
خاص رنگ شده باشند.

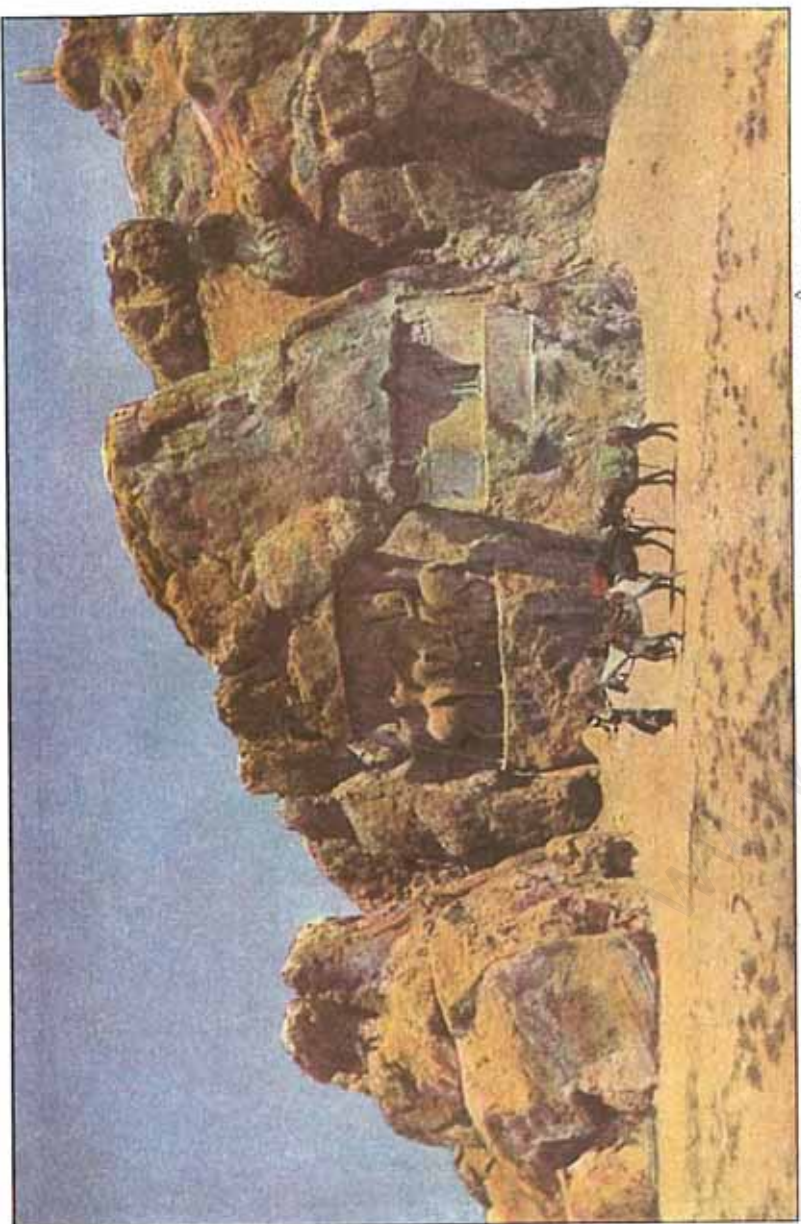
نویسنده اصلی کتاب موجود - اف - ال - برد - در
حاشیه صفحه آخر نوشته خود به این مطلب اشاره
کوته ای دارد و از هنرمندی و دقت هنرمند عکاس
و نقاش - هارولد - اف - وستون که قسمت دوم
کتاب نوشته اوست - صمیمانه قدردانی کرده است.
به هر تقدیر عکس های زیبا با هنرمندی خاص به
صورت رنگی چاپ شده که هنوز هم پس از نزدیک
گذشت بیش از هشتاد سال قابل استفاده است.



مدرسه شاه. مدرسه شاه سلطان حسین صفوی^۷ در قرن یازدهم هجری ساخته شده و مرکز آموزش علوم دینی طالایی است که در حجره هایش زندگی می کنند. گاشی های فیروزه ای گنبد و مناره های مدرسه در حال تعمیر است.

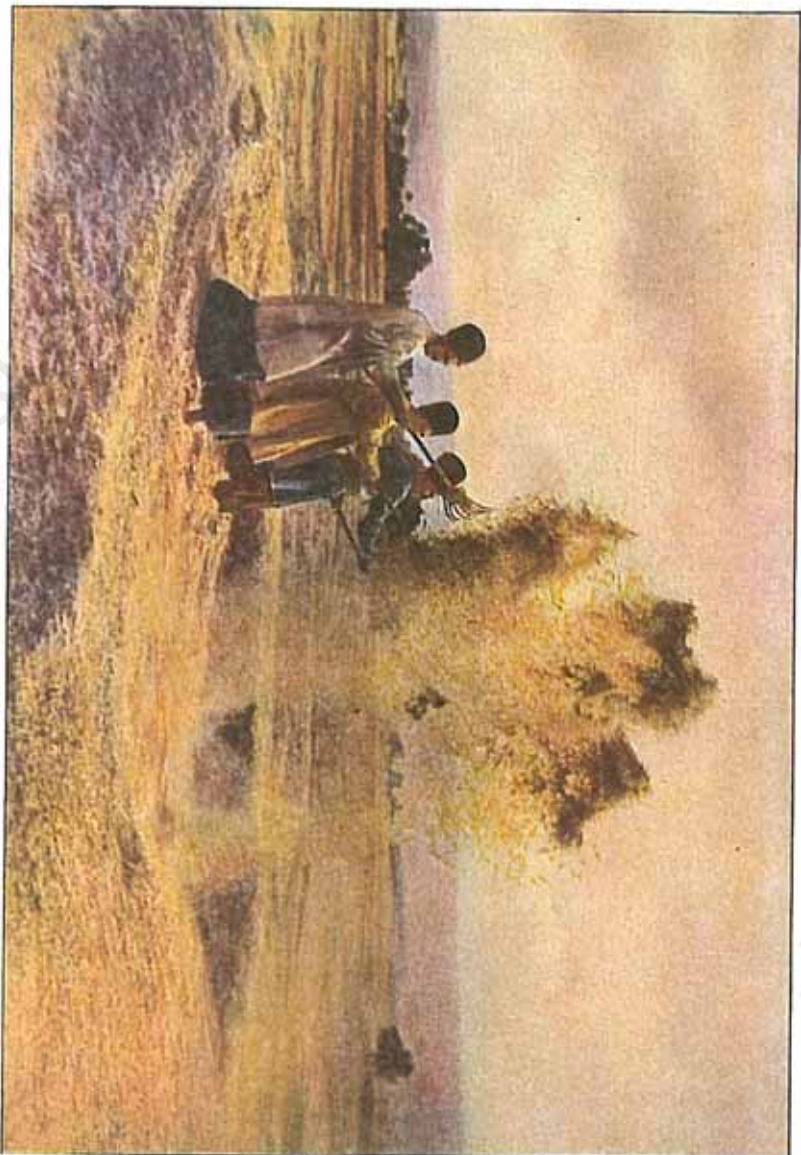


بنگه الله اکبر. بعد از سفری طولانی در کویر، از فراز بنگه الله اکبر و دروازه فرات، شهر شیراز چون زمردی زیبا در دل دشت درخشید. دورنمای شیراز با درختان سرو، گنبد های فیروزه ای و تپه های ارغوانی زیبایی خاص دارد.

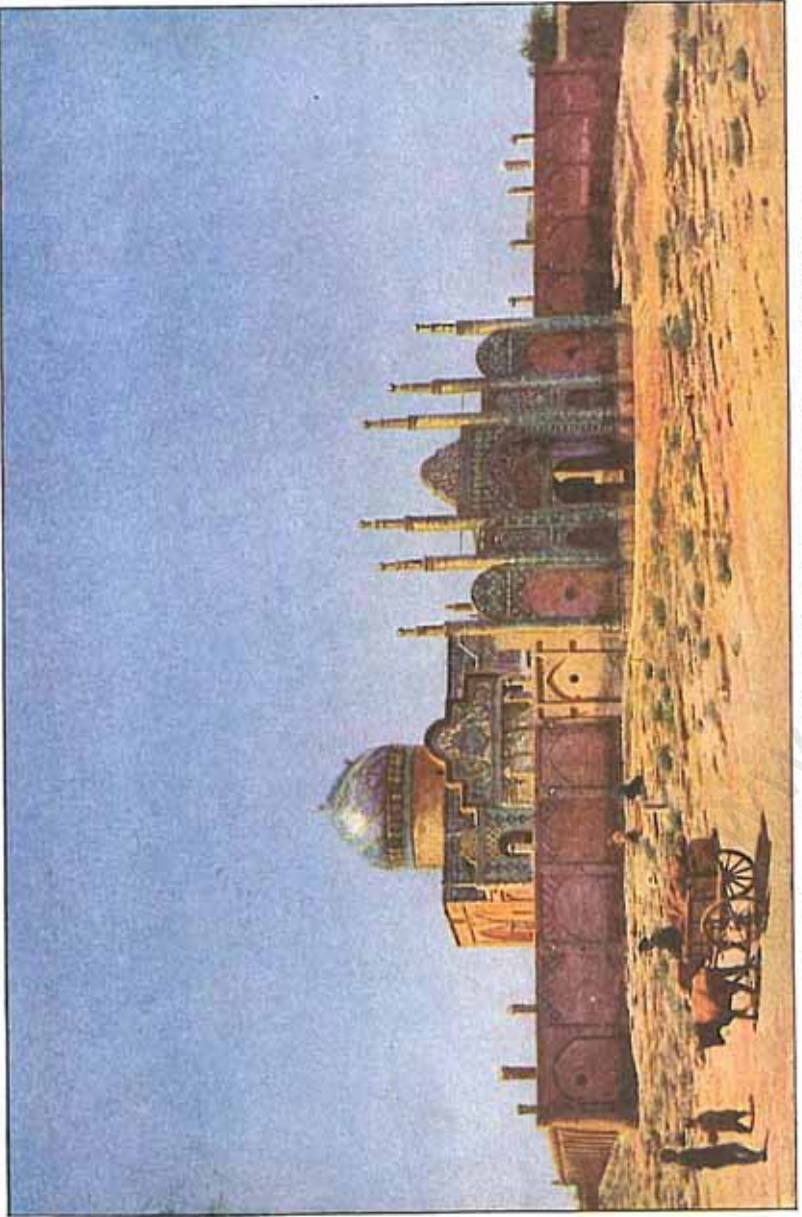


نقش رستم^۶ یادگار سلسله ساسانیان. آن چند در دل این کوه، نزدیک مقبره شاهنشاهان هخامنشی حکاکی شده. تصویر اردشیر شاه^۷، پیمانگذار دودمان ساسانی سوار بر اسب است. نقش رستم مربوط به قرن سوم میلادی است.

۱۱۳۳

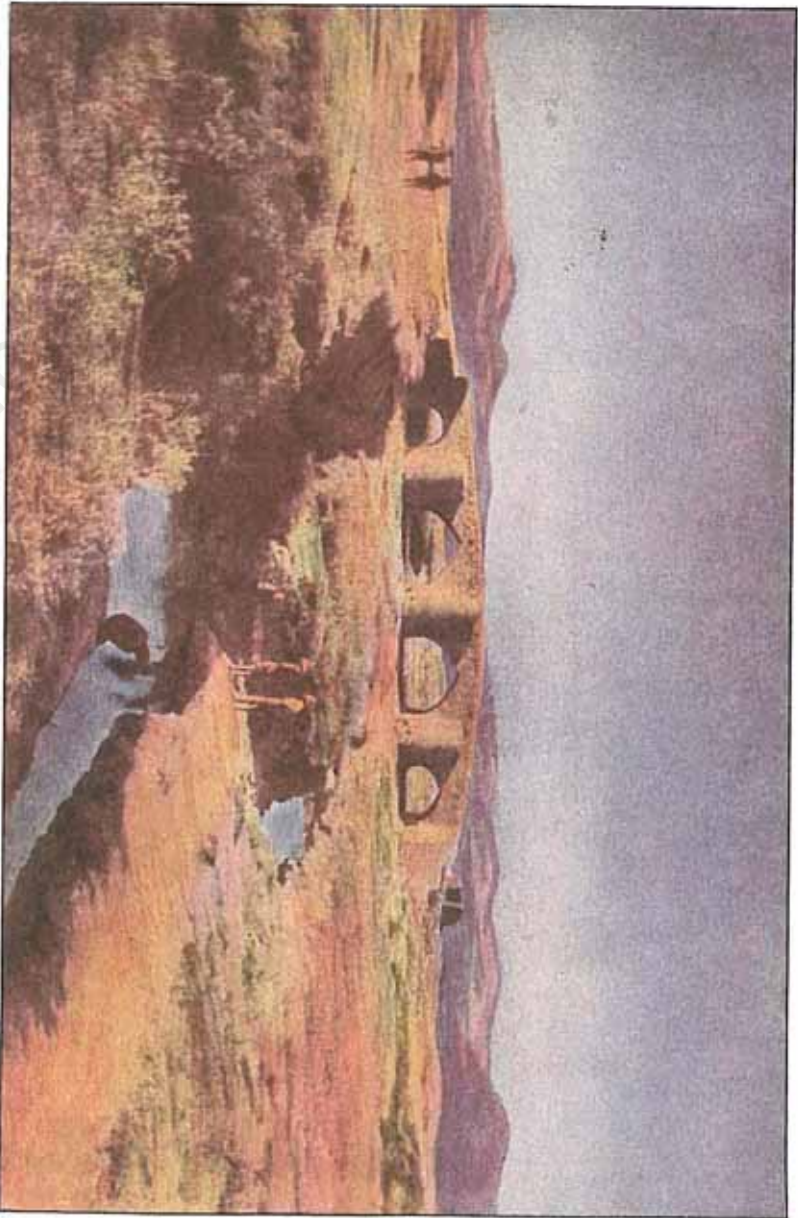


۱۱۳۴
 خرمین کوچه در خرمین، ایران. - سوسنگی از تیروی یاد - سوسنگی از تیروی یاد - سوسنگی از تیروی یاد - سوسنگی از تیروی یاد - سوسنگی از تیروی یاد



مسجد کوچک فیروزین، کاری مسجد زیباترین کاری است که در دنیا می توان دید. عناصره ساختمانی مسجد در حال فروریختن است و شکل سیاه گوتله عکس، بونه ای را نشان می دهد که از درون گنبد روئیده است.

۱۲۱



۱۲۰
مسجد کوچک فیروزین، کاری مسجد زیباترین کاری است که در دنیا می توان دید. عناصره ساختمانی مسجد در حال فروریختن است و شکل سیاه گوتله عکس، بونه ای را نشان می دهد که از درون گنبد روئیده است.

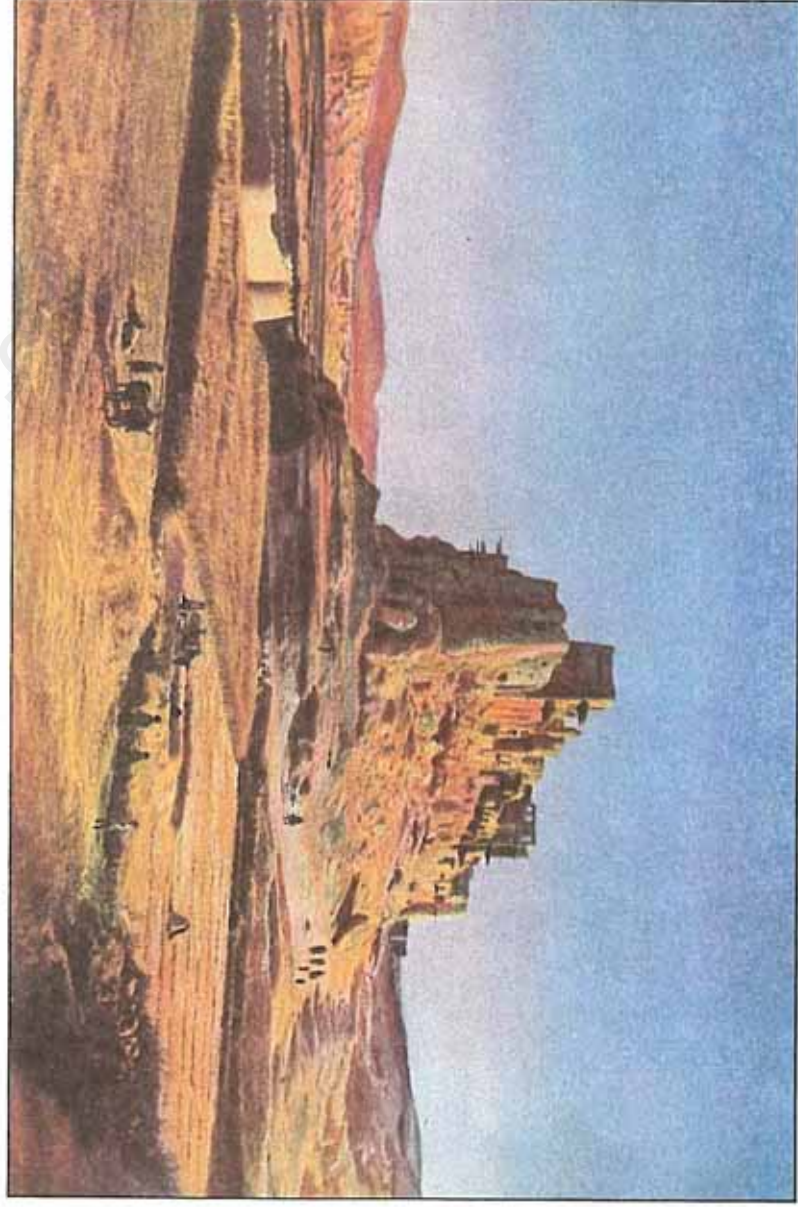
۱۲۱

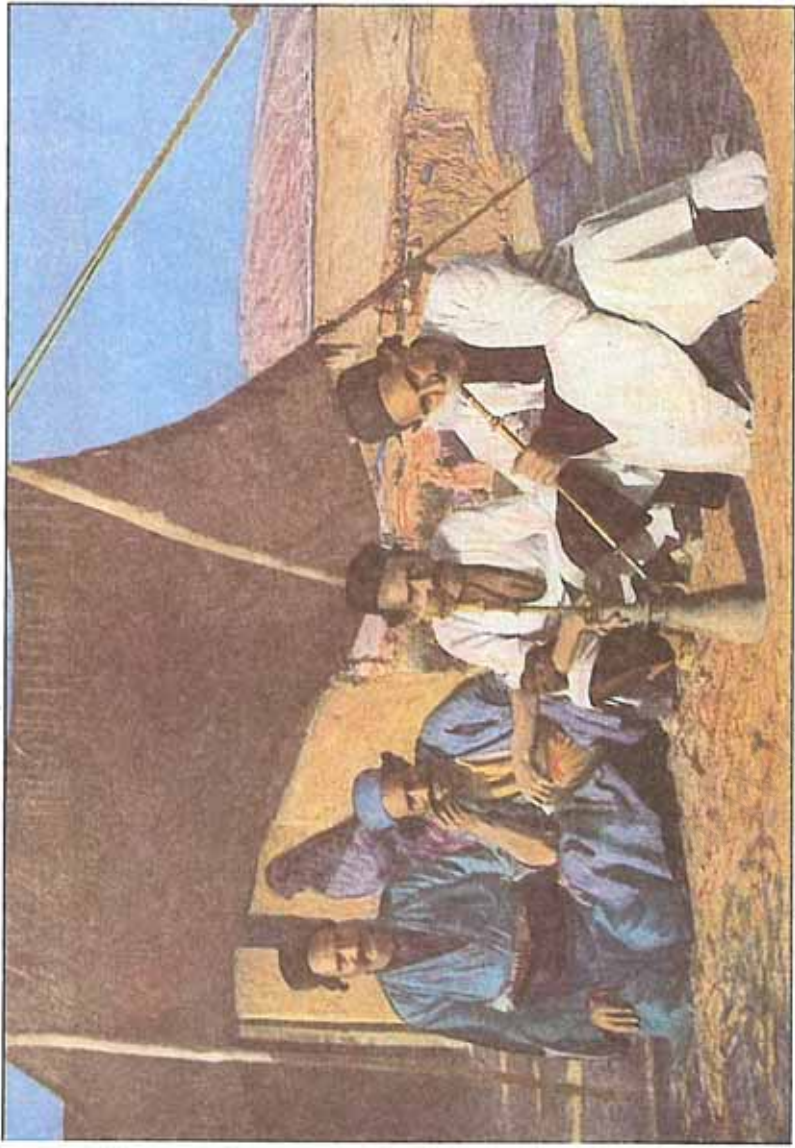


دسته‌ای الاغ در راه بازگشت از چراگاه کوهستانی. تنها غذایی که به این حیوانات داده می‌شود جو و علف خشک است. غذایی کلی آنها را که علف بیابان است، باید خودشان با استفاده از علف زارهای دامنه کوهستان نابین کنند.

۱۳۹

۱۴۱
جسار و ساجور را در این خدان خندان را جوست است. هر چه است این کرم کرم و نظیر در هر کجای و کجای، هر کجای کرم کرم، این جوست است.



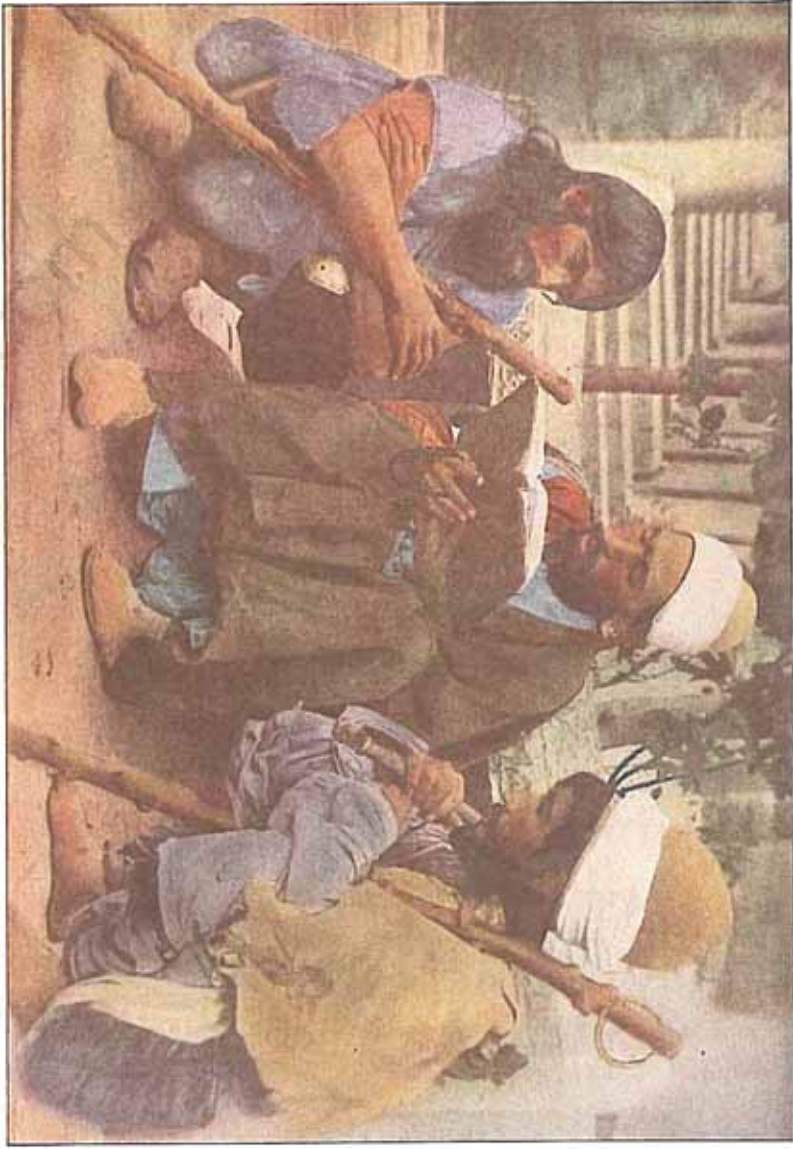


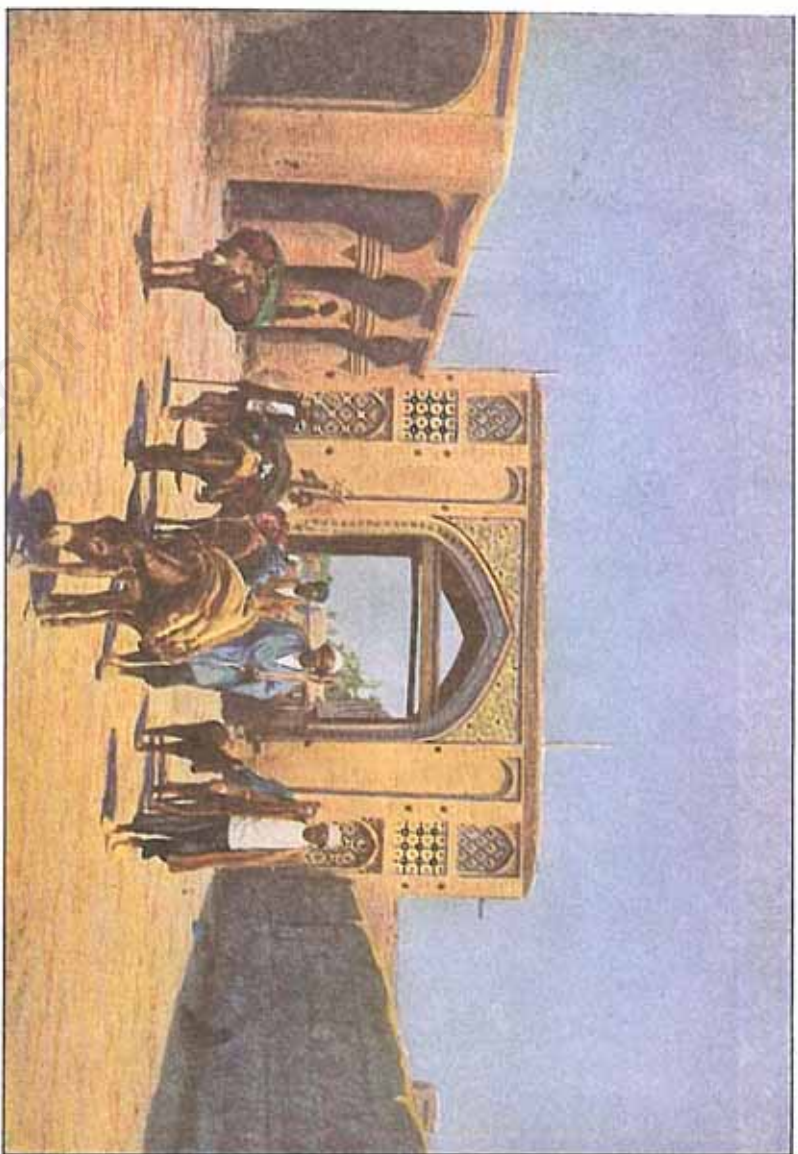
قلیان کشیدن در ده گبرآباد. تنباکوی خشک محلی را در آب نشسته و نم کرده آن را در سر قلیان می ریزند و روی تنباکوها آتش می گذارند. کسی که قلیان می کند، باید دود را از درون آب بکشد و آن را فرو ببرد و بعد بیرون دهد.

۱۳۷

۷۸۱

مهرکبوتر سیاه و سفید را با هم میزنند و در آن روغن و زرد و نار و زعفران می جوشانند. از این جوش را با انگور می جوشانند و در آن روغن و زرد و نار و زعفران می جوشانند. در آن روغن و زرد و نار و زعفران می جوشانند.

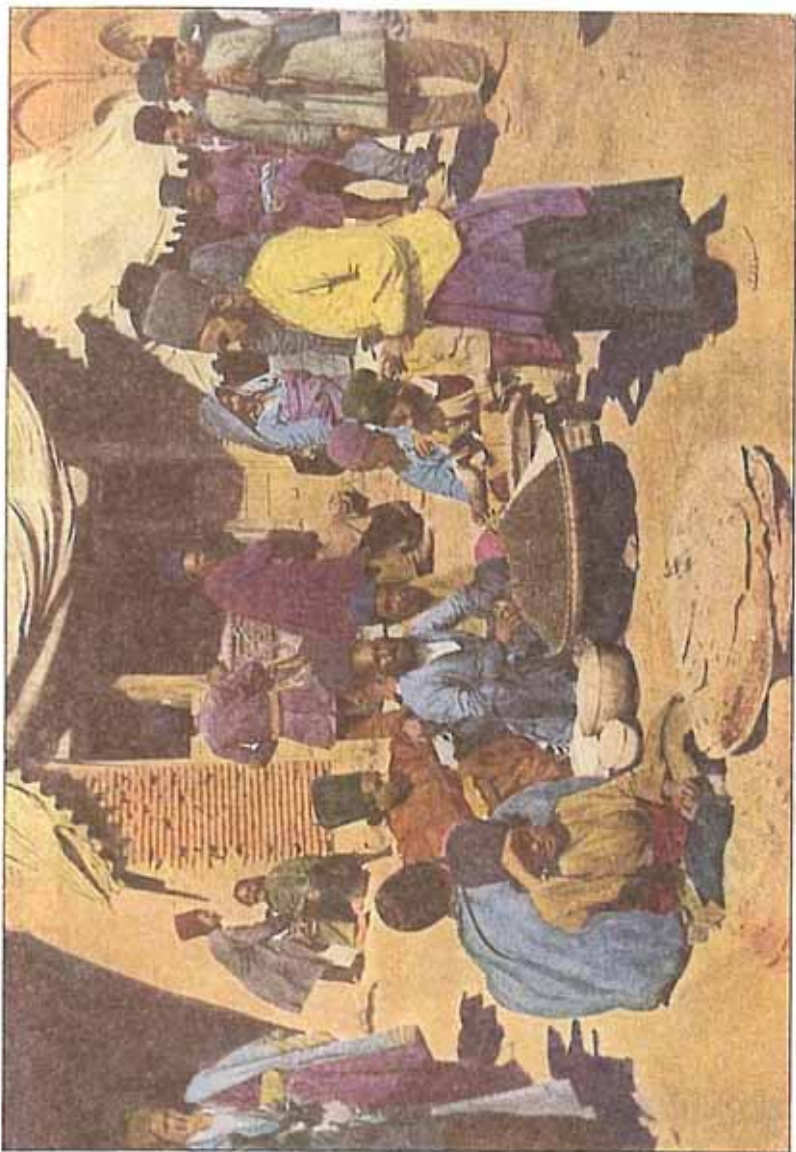




دروازه‌های زیبا چشم آدمی را خیره می‌کنند. قرون یکی از شهرهای تاریخی است و از این دروازه شهر قرون - که برای ساختمان به زیبایی خاصی آرازی شده - همه کاروان‌ها به سوی رشت و دشت زیبای خزر حرکت می‌کنند.
۱۳۴

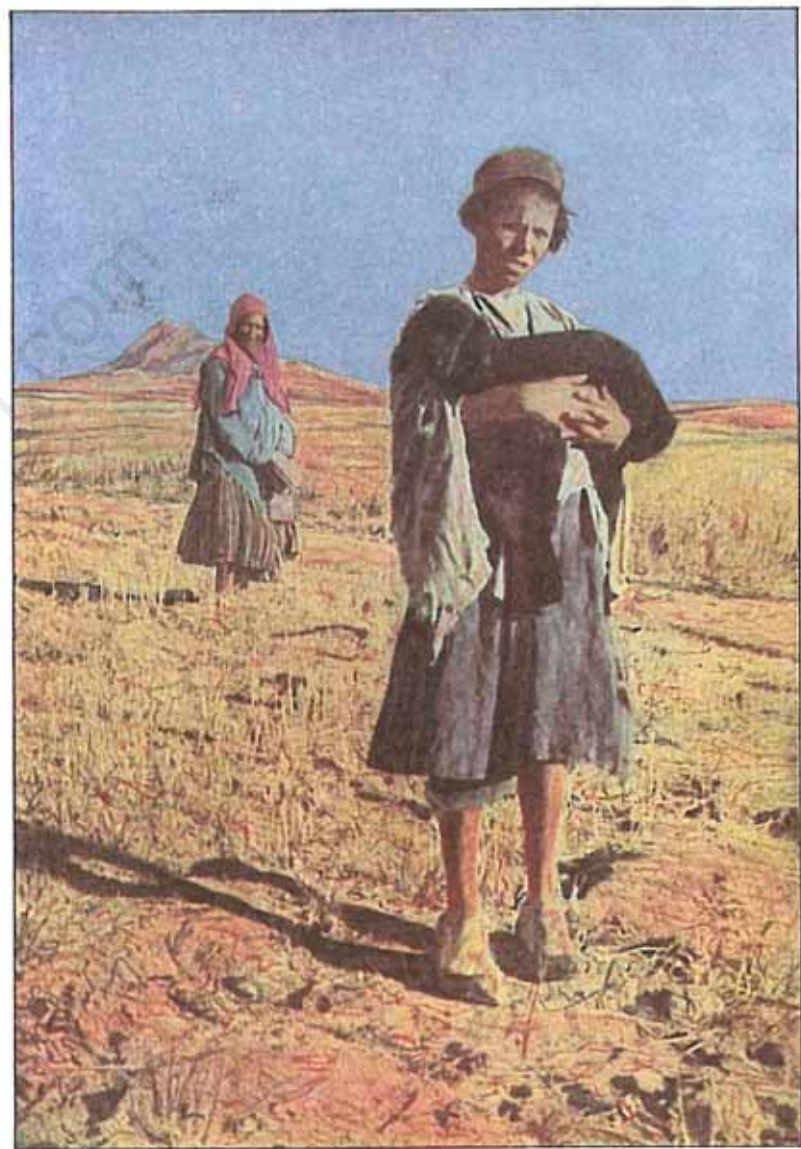


روستاییان زیر باری از خار شتر. کلاه‌های سیاه رنگ نمندی که این مردان به سر دارند شایسته‌ی عجیبی به سرپوش ایرانیان در عصر ساسانیان دارد. خار شتر یکی از عقیدترین گیاهان منطقه کویر به شمار می‌رود که هم غذای شتر است و هم سوخت. در ضمن خار شتر به خاطر جنس نیایی خوبی که دارد، کودی مناسب برای نفوخت خاک است.



فروشنده‌گان و بولو در بازار ایران. بازارهای ایران مرکز خرید و فروش همه چیز است. در بازار شیراز که سرآمد همه است علاوه بر وجود کالاها، مختلف، بوی تند عطر و گلانی هم که پیچیده عايران را شاد و سرعست می کند.

۱۳۳



هدیه ارزشمند بک ایرانی. در ده بید، زن حمدالله خان در غیاب شوهر به نشانه مهمان نوازی بره ای پیش کش کرد. در مشرق که فقط مردها سفر می کنند، کسی قبول نداشت ما برای سیاحت آمده ایم و می گفتند ما مورتنی سیاسی داریم.

۱۳۴